

Public-Municipality Confrontations over Authoritarian Street Construction in Shiraz during the Pahlavi I Era

Sahand Lotfi¹ | Sarah Ghamar²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract

Purpose: This study investigates the process of street construction in Shiraz during the reign of Reza Shah (Pahlavi I), aiming to assess the effects of authoritarian modernization on the city's social, economic, and cultural structure.

Method and Research Design: Drawing on historical documents, official correspondence, and relevant events, the research analyzes the social consequences of street construction projects and the public's responses to them.

Findings: The street construction initiatives, carried out under the banner of urban modernization, resulted in the extensive demolition of residential, commercial, and religious structures. These actions provoked widespread dissatisfaction, especially among lower-income groups. The public protests were driven by concerns over violations of property rights, threats to the city's historical identity, and the erosion of urban cohesion. In some instances, these protests succeeded in limiting the extent of demolition or altering specific project plans.

Conclusion: The street construction projects in Shiraz served as a symbol of imposed modernization, producing not only physical changes but also a profound disconnect between development plans and the community's actual needs. This study highlights the dynamics of interaction and confrontation between municipal authorities and citizens, shedding light on the multifaceted nature of urban transformation and its impact on Shiraz's historical identity.

Keywords: Shiraz; street construction; authoritarian modernization; Pahlavi I; municipality (Baladiyeh).

Citation: Lotfi, S. and Ghamar, S. (2024). Public-Municipality Confrontations over Authoritarian Street Construction in Shiraz during the Pahlavi I Era. *Ganjine-ye Asnad*, 34(4), 68-101. doi: 10.30484/ganj.2024.3200

1. Associate Professor, Department of Urban Planning and Design, School of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran
slotfi@shirazu.ac.ir

2. MA of Urban Design, Faculty of Art, Terbiat Modares University, Tehran, Iran

sarah_ghamar@modares.ac.ir

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«136»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2024.3200

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol: 34, No: 4, Winter 2025 | pp: 68 -101 (34) | Received: 5, Oct. 2024 | Accepted: 15, Nov. 2024

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیی

مقاله پژوهشی

رویارویی مردم و بلدیه در خیابان‌کشی‌های اقتدارگرایانه در شیراز دوره پهلوی اول

سهند لطفی^۱ | سارا قمر^۲

چکیده:

هدف: بررسی روند خیابان‌کشی‌های شیراز در دوران پهلوی اول و ارزیابی تأثیر مدرنیزاسیون اقتدارگرایانه بر بافت اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی این شهر.

روش/رویکرد پژوهش: مطالعه مبتنی بر بازخوانی اسناد تاریخی، مکاتبات رسمی و تحلیل رویدادهای مرتبط با اجرای طرح‌های خیابان‌کشی با هدف بررسی پیامدهای اجتماعی و واکنش‌های عمومی به این تغییرات.

یافته‌ها: اجرای طرح‌های خیابان‌کشی با هدف مدرن‌سازی، به تخریب گسترده منازل و اماکن کسب، و تهدید بناهای مذهبی منجر شد و نارضایتی عمومی را به‌ویژه در میان اقشار کم‌درآمد برانگیخت. اعتراضات ناشی از نگرانی‌های مربوط به نقض حق مالکیت، تهدید هویت تاریخی، و از بین رفتن انسجام شهری بود. این اعتراضات توانست در مواردی باعث کاهش ابعاد تخریب و تعدیل برخی طرح‌ها شود.

نتیجه‌گیری: خیابان‌کشی‌های شیراز نمادی از مدرنیزاسیون تحمیلی بودند که علاوه بر تغییرات کالبدی، شکافی عمیق میان طرح‌های توسعه و نیازهای واقعی جامعه ایجاد کردند. پژوهش حاضر با تأکید بر تعامل و تقابل میان مقامات و مردم، ابعاد مختلف این تحولات و پیامدهای آن بر هویت شهری شیراز را روشن می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: خیابان‌کشی؛ شیراز؛ مدرنیزاسیون اقتدارگرایانه؛ پهلوی اول؛ بلدیه؛ هویت تاریخی؛ اعتراضات مردمی.

استناد: لطفی، سهند و قمر، سارا. (۱۴۰۳). رویارویی مردم و بلدیه در خیابان‌کشی‌های اقتدارگرایانه شیراز دوره پهلوی اول. گنجینه اسناد، ۳۴(۴)، ۶۸-۱۰۱ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴.۳۲۰۰

۱. دانشیار طراحی شهری، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

slotfi@shirazu.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
sarah_ghamar@modares.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۳۶

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴.۳۲۰۰

نمایه در Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۴، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۳ | صص: ۶۸-۱۰۱ (۳۴)

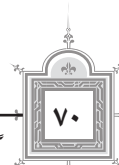
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۵

تحقیقات تاریخی

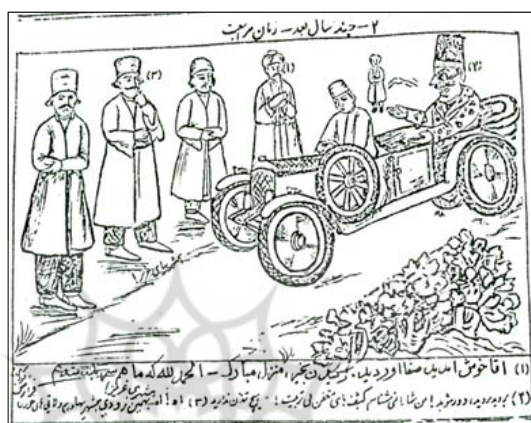
۱. مقدمه

اگر خیابان، مطابق با تعاریف متقدم مندرج در فرهنگ‌نامه‌های ایرانی، «[راه و] رسته‌ای [دانسته شود] که در باغ [بین باغ‌ها] می‌سازند برای عبور و مرور و کنارهای آن را گل‌کاری می‌کنند» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۱۰۱۷۳)، نخستین اقدام در راستای احداث خیابان در شیراز از دوره صفوی و به تقلید از چهارباغ اصفهان در محور غربی، مجاور دروازه باغ شاه و دیگری در محور شمالی از دروازه اصفهان تا تنگه الله اکبر شکل گرفته است (آریان‌پور، ۱۳۶۵، ص ۲۶۶). در دوره زندیه، این دو محور به‌طور قابل توجهی تقویت شد. محور شمالی که در اطراف آن باغ‌های وسیع متعلق به دوران آل‌اینجو و آل‌مظفر قرار داشت، به خیابانی تبدیل شد که میانه آن مشجر بود و آب آن از قنات رکن‌آباد از طریق سازه‌های آبی ساخته شده توسط کریم‌خان تأمین می‌شد (شیبانی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۳۵). در دوران قاجار محور شمالی برای گشت‌وگذار شیرازی‌ها استفاده می‌شد (افسر، ۱۳۵۳، ص ۱۵۰). محور غربی نیز تا اواخر دوره قاجار فضای شهری مردمی شناخته نمی‌شد؛ زیرا پیرامون آن عمدتاً ساختمان‌هایی نظیر ارگ، کنسول‌گری و میدان توپخانه با کارکردهای غالباً حکومتی و دولتی واقع شده بودند (ندیم، ۱۳۹۴، صص ۴۰-۴۴). معابر درونی شهر اما، معابری کم‌عرض و فاقد کف‌سازی بودند. برای نخستین بار در سال ۱۲۹۸ ق/۱۲۶۰ ش به‌دستور صاحب‌دیوان معابر و کوچه‌های هر ده محله شیراز از گچ و سنگ فرش شد و به گفته فارس‌نامه ناصری، مردم را از «گل‌ولای زمستانه و خاک تابستانه» نجات داد (حسینی فسانی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۶۵)؛ بنابراین، تا ابتدای دوره پهلوی اول، ساختار و عملکرد خیابان در شیراز به معنای آنچه بعدها تجربه شد، وجود نداشت.

در سال ۱۲۹۸ ش، «بلدیۀ قانونی» در شیراز تأسیس شد (ساکما، ۲۹۳/۳۸۷۷، برگ ۱۲ و ۱۳). از جمله وظایف بلدیۀ، توسعه راه‌ها، تأمین روشنایی، و حفظ پاکیزگی معابر و کوچه‌ها بود (فوق‌العاده گلستان، شماره ۳۵، ۴ مهر ۱۲۹۸ ش). عملکرد بلدیۀ شیراز در گام‌های نخست، ضعیف ارزیابی می‌شد و نقدهای طعنه‌آمیزی بر آن وارد می‌شد: «در تمام شهر یک چراغ از طرف بلدیۀ روشن نمی‌شود، و از اقدامات عالیۀ بلدیۀ قانونی! مخصوصاً در شب‌های تاریک و برف و بارانی زمستان با سابقۀ نظافت بلدی، کوچه‌های شیراز رشک پاریس می‌شود!» (فارس، شماره ۱۷، صفحه ۱۰، ۵ دی ماه ۱۲۹۸ ش). با وجود این در این دوره تسطیح معابر و سنگ‌فرش کوچه‌ها از جمله دستاوردهای مثبت بلدیۀ بوده است (وقایع، شماره ۱، صفحه ۴، ۱۸ آذر ماه ۱۳۰۴ ش). با این حال هم‌چنان در شیراز خیابانی به شمایل امروزی و با کارکرد اجتماعی شکل نگرفته بود و ورود خودرو که عمدتاً خودروهای ویژه مقامات فارس بود، به بافت شهری ممکن نبود. به عقیده تریپ برای



تغییر از درشکه به خودروهای موتوری، به چیزی شبیه به انقلابی در معابر و کاربران آن‌ها نیاز بود (Tripp, 1950, p297). این انقلاب در سال ۱۳۰۲ش در محله پشت ارگ با تخریب برخی از دکانین، آغاز شد و مسیر را برای عبور اتومبیل فراهم کرد (خالصی، ۱۳۸۷، ص ۶۰). با وجود این هم‌چنان معابر و کوچه‌ها چه درون شهر قدیم شیراز و چه در خیابان‌های تازه‌تأسیس کیفیت مطلوبی نداشت.



تصویر ۱

ورود اتومبیل به شیراز در کاریکاتوری از
اواخر دوره قاجار در انتقاد به «همدن»
وارداتی (خورشید ایران، شماره ۱، صفحه
۲۷۵ بهمن ۱۳۰۲)

از سال ۱۳۰۵ش با روی کار آمدن رضاشاه تحولات چشم‌گیری در ساختار کالبدی شهر انجام شد. طرح‌های مدرنیزاسیون شهری از جمله خیابان‌کشی نقشی کلیدی در این تحولات داشت. خیابان برای رضاشاه نه تنها بهبود زیرساخت، بلکه نمادی برای تجدد و آغاز طرح‌های توسعه شهری بود (حبیبی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳). توسعه شهر [شیراز] براساس این الگو در دستور کار قرار گرفت: سه یا چهار خیابان و میدانی در محل تقاطع این خیابان‌ها با ابعادی طبق استانداردها و مشخصات معین (اسماعیل دخت و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۵۰). با وجود اطلاع‌رسانی و تهیه نقشه خیابان‌کشی، این اقدام با نگرانی و مقاومت مردم شیراز همراه بود و تنش‌هایی را میان دولت و جامعه محلی شیراز به وجود آورد.

دگرگونی‌های اجتماعی برخاسته از خیابان‌کشی در شیراز روزگار پهلوی، کمتر کاویده شده و چگونگی اجرای این طرح‌ها، از نگاه پژوهش‌گران دور مانده‌است. نوشته‌ها و اسناد برجای مانده، بیش از آن‌که زرفای این دگرگونی‌ها را بکاوند، تنها به توصیف ظاهری و دگرسانی‌های کالبدی بسنده کرده‌اند. پژوهش حاضر ولی بر آن است تا با واکاوی اسناد، از رویارویی مردم با آن‌چه دولت برای شیراز در سر داشت و آن‌چه در بستر واقعی شهر رخ داد، پرده را کنار زند. بر این پایه، پژوهش پیش‌رو، نه تنها تصویری روشن از دگرگونی‌های

شیراز آن دوران به دست می‌دهد، بلکه فهمی ژرف‌تر از روند این دگردیسی و پیامدهای آن فراهم می‌آورد. از این رو، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

خیابان‌کشی در شیراز در دوران پهلوی اول چگونه اجرا شد و چه تأثیری بر ساختار کالبدی شهر گذاشت؟

مردم شیراز چگونه به طرح‌های خیابان‌کشی واکنش نشان دادند و این اعتراض‌ها و مقاومت‌ها چه تأثیری بر اجرای این طرح‌ها داشت؟

در پژوهش حاضر، برای درک روند احداث خیابان در شیراز در دوران پهلوی اول، از روش تاریخی-تحلیلی و سندپژوهی استفاده شده است. این روش به بررسی تحولات شهرسازی در بستر تاریخی مشخص می‌پردازد و با تحلیل اسناد و متون تاریخی، امکان درک روابط علی میان سیاست‌های شهری و ساختارهای کلان حکومتی را فراهم می‌کند (Gaddis, 2002). بررسی تاریخ شهرسازی نشان می‌دهد که تغییرات فضایی و کالبدی شهرها، نه تنها تحت تأثیر تصمیمات مدیریتی، بلکه در ارتباط با تحولات اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرند (Gottodiener et al, 2015).

در پژوهش حاضر، اسناد تاریخی از جمله گزارش‌های رسمی، مصوبات دولتی، مطبوعات دوره پهلوی اول و تصاویر شهری بررسی شده‌اند. تحلیل این اسناد در چارچوب انگاره مرتبط با مدرنیزاسیون اقتدارگرایانه، به فهم بهتر شیوه اجرای سیاست‌های شهرسازی در این دوره کمک کرده است. همان‌طور که فرکلاف^۱ (۲۰۰۳) اشاره می‌کند، مطالعه اسناد تاریخی تنها به ارائه اطلاعات محدود نمی‌شود، بلکه با تحلیل محتوای آن‌ها می‌توان روابط میان سیاست‌گذاری‌های دولتی و تحولات شهری را تفسیر کرد؛ این اسناد با هدف پژوهش و متأثر از فرایند آن تولید نشده‌اند و می‌توانند وجودی مستقل و فراتر از نویسنده و زمینه تولید آن داشته باشند (Bowen, 2009, p28; Ahmed, 2010, p2).

چون اسناد، داستان مدرنیزاسیون شیراز را روایت می‌کنند، در فهم روند خیابان‌کشی‌های شیراز، به اسناد توجه ویژه شده است. پس از بررسی آغازین اسناد، از میان قریب به ۳۶۰۰ برگ از اسناد بازبایی شده مرتبط با موضوع کلی توسعه و احداث معابر شهری شیراز طی دوره پهلوی اول، ابتدا حدود ۱۰۰ برگ سند بازخوانی و انتخاب شد و نهایتاً تعداد ۳۷ سند مرتبط با جزئیات موضوع پژوهش تحلیل محتوایی شد که ۲۶ سند از سال ۱۳۱۰ ش، ۷ سند از سال ۱۳۱۱ ش، ۳ سند از سال ۱۳۱۳ ش و یک سند مربوط به سال ۱۳۱۸ ش است. به طور کلی اسناد بررسی شده را می‌توان به دو بخش مکاتبات اهالی محله‌های شیراز خطاب به بلدی و وزارت داخله - ایالت فارس، و مکاتبات میان بلدی و وزارت داخله - ایالت فارس تقسیم کرد. این نامه‌ها کشمکش میان مردم و بلدی و اعتراض ساکنان شیراز به احداث خیابان‌ها در بین

1. Fairclough



سال‌های ۱۳۱۰ش و ۱۳۱۱ش را منعکس می‌کند. در میان اسناد ۳ سند نیز، صرفاً فهرستی از هویت ۱۰۳ نفر از معترضان به خیابان‌کشی است و ۳ سند هم که در سال ۱۳۱۳ش تهیه شده‌است، نقشه آتی شهر را توصیف می‌کند. از اسنادی دیگر از جمله از روزنامه/استخر (شماره ۳۵، ۱۸ دی ۱۳۰۳ش)، روزنامه گلستان (شماره ۷۴۵، ۶ شهریور ۱۳۱۰ش) و سند قانون توسعه معابر (۱۳۱۲ش) هم در تحلیل اسناد استفاده شده‌است.

در کنار اسناد تاریخی، از آرشیوهای معتبر عکس‌های شیراز -هرچند اندک‌شمار- به‌عنوان گواهانی بصری در بازشناسی دگرگونی‌های کالبدی شهر استفاده شده‌است. این تصاویر، هرچند روایتگر خیابان‌کشی در بافت کهن شهر نبودند، اما از چهره دیگر این دگرگونی پرده برمی‌داشتند: خیابان‌هایی که در پیرامون شهر سربرآوردند و گذرهایی که با تخریب عمارت‌های دیرپا، راه را برای طرح‌های جدید گشودند. با نگاهی سنجیده و برپایه معیارهایی چون وضوح، گستره مکانی و انطباق با منابع متنی، ۱۲ تصویر از آرشیو مرحوم منوچهر چهره‌نگار شیرازی برگزیده شد (صانع، ۱۳۶۹، صص ۱۱۱، ۱۳۶، ۱۵۴-۱۶۹؛ صانع، ۱۳۸۰، صص ۱۱۶-۱۶۷؛ صانع، ۱۳۹۰، صص ۱۶-۲۲؛ صانع، ۱۳۹۶، صص ۸۸-۸۹) و در کنار اسناد هم‌دوره‌اش بازخوانی شد. ولی چون جان‌مایه پژوهش حاضر نه کالبد شهر، که کشاکش مردم و حاکمیت در این دگرگونی‌ها بود، تصاویر از متن مقاله کنار نهاده شدند؛ اما یافته‌های آن‌ها، در تفسیر اسناد و نمایاندن چگونگی دگرگونی شهر و پیامدهای آن، نقشی انکارناپذیر داشتند و در تاروپود این پژوهش تنیده شدند. از دیگر سو، باتوجه‌به اینکه فرایند مدرنیزاسیون دوره پهلوی اول در شهر شیراز با روندی تدریجی انجام شده‌است، برای بازخوانی نتایج عینی این تحول، از تصاویر مندرج در «گزارش عملیات شهرداری شیراز» در سال ۱۳۲۹-۱۳۳۰ بهره گرفته شده‌است (ساکما، ۱۳۵/۱۸۰۰۷/۲۹۳).

۲. پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در زمینه شکل‌گیری خیابان در دوران پهلوی در شیراز انجام شده‌است، می‌توان به کتاب ندیم (۱۳۹۴) تحت‌عنوان خیابان کریم‌خان زند شیراز اشاره کرد که شروع اصلی دگرگونی در شیراز را از دوره رضاشاه و متأثر از تغییرات اقتصادی و اجتماعی جهان معرفی می‌کند و به بحث احداث خیابان در بافت شهری می‌پردازد. ندیم (۱۳۹۴، ص ۸۳) اشاره می‌کند که با هدف ساخت خیابان در شیراز طاق‌واره‌ها و قطعاتی که در مسیر معابر پیشنهادی قرار داشتند، در سال ۱۳۰۵ش تخریب شدند.

اسماعیل دخت (۱۳۹۶، ص ۴۹) نیز در بررسی دیدگاه‌های حاکم بر زیبایی‌شناسی خیابان زند در سه دوره تاریخی اخیر، به تخریب بافت و احداث خیابانی از میانه بافت

شهر شیراز اشاره‌ای ندارد و صرفاً به بررسی تحولات کارکردی و عناصر جدید اضافه‌شده به خیابان زند می‌پردازد. اسماعیل‌دخت و همکاران (۱۴۰۰) هم در مقاله «بررسی انتقال منظر شهر سنتی به شهر معاصر شیراز» ضمن بررسی طرح‌ها و برنامه‌های توسعه از دوره قاجار، و با بررسی اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) به توسعه خیابان‌هایی چون نادر، فردوسی، و خیابانی مستقیم از پادگان باغ تخت به خیابان زند می‌پردازند. آن‌ها در زمینه احداث خیابان در بافت قدیم نیز، مطابق سندی اشاره می‌کنند که «مردم مشتاق این تحولات و خواستار تجدّد هستند؛ چنانچه در نامه‌ای خطاب به اداره بلدیّه درخواست ساخت خیابان‌هایی را در شهر داشته‌اند و شیراز را نسبت به دیگر شهرها از حیث عمران و خیابان‌سازی عقب‌مانده توصیف [می‌کرده‌اند]» (اسماعیل‌دخت و همکاران، ۱۴۰۰، صص ۵۰-۵۳).

برخی از منابعی هم که شهرداری شیراز منتشر کرده‌است عملکرد و تاریخچه بلدیّه شیراز را بررسی کرده‌اند (خالصی، ۱۳۸۷؛ رئیسی، ۱۳۸۸). خالصی (۱۳۸۷، ص ۴۸) با وجود بررسی دقیق خدمات شهرداری در این دوره، به تحولات پهلوی اول به‌ویژه بین سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ ش اشاره‌ای نمی‌کند. خدای و همکاران (۱۳۹۷) نیز در مقاله «بررسی عملکرد بلدیّه در دوره پهلوی اول» با بررسی اسناد منتشرنشده ساکما تنها به بررسی خدمات شهری این دوره اشاره کرده‌اند و به‌صورت ویژه به احداث خیابان در این دهه نپرداخته‌اند.

پژوهش حاضر ولی با تمرکز بر خیابان‌کشی و تبعات آن در دوران پهلوی اول، اعتراضات و مقاومت‌های مردمی در برابر تخریب بافت قدیم شهر را بررسی کرده‌است؛ موضوعی که در بسیاری از پژوهش‌ها کمتر به آن توجه شده‌است. هدف تحقیق حاضر آن است که ابعاد اجتماعی و فرهنگی این تحولات را بررسی کند و نشان دهد که تغییرات شهری نه‌تنها بر ساختار فیزیکی، بلکه بر هویت اجتماعی و فرهنگی شهروندان نیز تأثیرگذار بوده‌است. این رویکرد می‌تواند درک بهتری از واکنش‌های مردمی به مدرنیته و تغییرات شهری در آن دوره ارائه دهد.

۳. سودای مدرنیته و مدرنیزاسیون اقتدارگرایانه شهری

ورود انگاره مدرنیته اروپایی و تطبیق آن با شرایط ایران را می‌توان به دوران جنبش مشروطیت نسبت داد. باین‌همه به‌عقیده آدمیت (۱۳۵۲، ص ۱۳) اصلاحات و دگرگونی در راه سودای تجدّد، در دوران قاجار، تا صدراعظمی میرزا عباس آقاسی، عمدتاً پیرامون تقویت صنایع نظامی کشور بوده‌است (اجلالی، ۱۳۷۳، صص ۶۰-۶۵) و کمتر به تغییر شکل، عناصر و ساختار اصلی شهرها پرداخته می‌شده‌است. در دوران ناصرالدین‌شاه

قاجار، مصلحان ترقی‌خواه مقوله تجدّد را هم از جنبه وام‌گرفتن از مظاهر غرب و هم از جنبه آزادی‌خواهی، قانون‌مداری و تحقّق مردم‌سالاری تفسیر می‌کردند؛ درحالی‌که تنها درکی که دیوان‌سالاران از تجدّد داشتند، به جنبه‌های عینی و مادی آن محدود بود؛ یعنی به چیزی بیش از نوسازی تشکیلات اداری-نظامی قائل نبودند (میرسپاسی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰). تکمیل همایون به دگرگونی تدریجی فضاهای شهری دارالخلافه و پرکردن خندق‌ها برای احداث خیابان و معابر جدید براساس طرح الکساندر بولر^۱ [که به‌لغزش در پاره‌ای متون فارسی، بوهلر نوشته شده است] اشاره کرده است (تکمیل همایون، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۷).

جاذبه‌های تمدن غرب در این دوره به شکل‌گیری انگاره آغازین جریان‌های روشن‌فکری و مدرن و درنهایت وقوع انقلاب مشروطه منجر شد؛ عصری که عصر بیداری هم نام نهاده شده است (میرسپاسی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲). ملاقات مدرنیته با جامعه ایرانی، با مدرنیته در سیاست، در مقیاس شهر و در میانه مردم قابل مشاهده بود (حبیبی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۰). به گفته کاتوزیان^۲ (2004, p14)، جنبش مشروطه می‌توانست به تشکیل دولتی جدید با پایگاه اجتماعی عظیم منجر شود. پیامد آن‌چنان رویدادی ممکن بود به اصلاح و نوسازی تدریجی ساختار شهرها بینجامد؛ حال آن‌که، هرج و مرج ناشی از سقوط حکومت مستقر همانند همیشه قوی بود و شهر ایرانی با همان مختصات پیشین، تنها نماد «حوزه‌های جغرافیایی-فکری» مشروطه شد (جعفریان، ۱۳۸۵، ص ۱۰).

درحالی‌که با انقلاب مشروطه در سال‌های ۱۲۸۵ش-۱۲۸۸ش، نظام مشروطه لیبرال جایگزین استبداد قاجاری شده بود، کودتای ۱۲۹۹ش در راستای ازبین‌بردن ساختارهای پارلمانی و ایجاد حکومت مطلقه پهلوی انجام شد (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹). رضاخان با ایجاد تشکیلات نظامی در سال ۱۳۰۰ش و تأسیس دانشکده افسری برنامه نوسازی خود را آغاز کرد؛ به‌گونه‌ای که تا پایان دوره پهلوی اول، بودجه وزارت جنگ بیش از یک‌سوم بودجه کل کشور بود (خلیلی‌خو، ۱۳۷۳، صص ۱۳۱-۱۳۸). رضاشاه از ارتش به‌عنوان وسیله‌ای برای ایجاد هویت ملی، تسریع برنامه‌های نوسازی و تغییر ساختار دولت استفاده کرد. علاوه‌بر آن او از اقتدار نظامی برای به‌دست آوردن سیطره همه‌جانبه بر حوزه‌های گسترده‌تر زندگی مدنی نیز بهره جست و نظامیان در اصلاحات لباس، لغو القاب، شهرسازی، و اصلاحات زبانی پیشرو بودند (Cronin, 2004, p131). نوسازی سازمان‌های اداری و مملکتی، وضع قانون مدنی، بنیان‌گذاری ثبت اسناد، رشد تجارت و صنایع داخلی، ساخت راه‌آهن، دانشگاه، مدارس جدید و ایجاد دادگستری و محدودکردن قدرت مذهب از جمله اقدامات رضاشاه تحت عنوان تجدّد یا مدرنیزاسیون بود (آجودانی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵؛ Cronin, 2004, p132). در تمامی این اقدامات، شاه به‌دنبال ادغام میراث

1. Général François Alexandre Buhler (1821-1884)

2. Katouzian

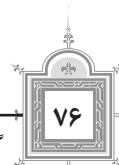


باشکوه ایرانی با دستاوردهای مدرن بود؛ اما به نظر می‌رسید که در مسیر مدرنیته ایران بدترین ویژگی‌های جوامع پیشرفته سرمایه‌داری و سوسیالیستی را انتخاب کرده باشد؛ مردم هم به ظالمانه‌ترین حالت ممکن آن را تجربه می‌کردند (McDaniel, 1991, p79).

«دگرگونی شهر» دستور روز پس از کودتای ۱۲۹۹ش بود و قدرت نظامی، بزرگ‌ترین بازوی اجرایی مدرنیزاسیون شهری (حبیبی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۹). در سال ۱۳۰۶ش، تیمورتاش وزیر دربار رضاشاه به وزیرمختار بریتانیا اعتراف کرد: «سرزمین پارس، پس از بیست سال حکومت به اصطلاح مشروطه، پیشرفت چندانی نداشته‌است؛ [و] همه چیز باید از نو شروع شود ...» (British minister of the Foreign Office, 1997, p55). نخستین نماد این تصور از پیشرفت و مدرنیزاسیون، برداشتن بارو، خندق، و دروازه‌های تهران ناصری بود که تخریب آن از سال ۱۳۰۹ش آغاز شد. فضا، به معنای واقعی برای توسعه ساختاری پایتخت گشوده شد و نشانه‌های تاریخی شهر قاجاری ریشه‌کن شد (Safamanesh, 2009, pp 124-126). در ایران ترجمانی تحت‌اللفظی از نوسازی رادیکال شهری بر «لوح سپید»^۱ در حال نگارش بود. نزدیک به نیمی از کاخ‌های قاجاری محله ارگ - که روزگاری نماد قدرت و تاریخ بودند- در طوفان نوسازی فرو ریختند و جایشان را به سازه‌های سترگ وزارت‌خانه‌ها و نهادهای دیوان‌سالارانه مدرن سپردند؛ دگرگونی‌هایی که یحیی ذکاء با حُجب و احتیاط آن را تغییر قیافه و شروع تاریخی جدید برای شهر نامیده‌است (ذکاء، ۱۳۴۹، ص ۳۸۳). در امتداد این دگرگونی‌های اقتدارگرایانه، گویی قلمی آهنین بر پیکره شهر کشیده شد؛ چنان‌که بخشی اعظم از گستره مرکزی آن، به خیابان‌های وسیع، میدان‌های باز، و باغ ملی بدل شد و سیمای کهن شهر، با طرحی نو از قدرت و نظم، از نو نگاشته شد (کریمان، ۱۳۵۵، صص ۲۹۷-۲۹۸، ۳۱۴-۳۱۹). مخبرالسلطنه (۱۳۷۵، ص ۴۱۰)، می‌نویسد: «در خرابی سیدنصرالدین استقامت [بر احداث] خیابان دلیل بود و آن دلیل علیل [علت] بر خرابی دروازه‌ها [بود]؛ برخی از اروپاییان افسوس خوردند [از این تخریب؛ چون] آثاری بود از طرز معماری و خوش تناسب افتاده بود».

نمادین‌ترین حذف تاریخ اما، تخریب تکیه دولت بود (قاسم‌خان، ۱۳۹۷، صص ۱۴۴-۱۴۵). به عقیده گریگور^۲ (p98, 2014) ناصرالدین شاه تکیه دولت را به عنوان سهم برجسته خود در مدرنیزاسیون ایران در قرن نوزدهم برپا کرده بود. تکیه‌ای برای برگزاری تعزیه؛ عملکردی که دولت پهلوی، آن را غیرمدرن و نامناسب برای سبک زندگی بورژوازی می‌دانست. سرعت تخریب در این دوره به گونه‌ای بود که یکی از گزارش‌های سفارت آمریکا بیان کرده‌است: «گویی در تهران زلزله آمده باشد، ۱۵٬۰۰۰ تا ۳۰٬۰۰۰ واحد مسکونی تخریب شده‌است و بی‌رحمی این مدرنیزاسیون برای مردمی که به آن عادت

1. Tabula rasa
2. Grigor



ندارند، غیرقابل درک است» (Engert, 1940, pp 163-164). رزیتا فوربز^۱، هم در سفرنامه سفر خود به ایران در اوایل دهه ۲۰ش، تهران را «کمی هالیوودی» توصیف کرده است؛ زیرا «خیابان‌های جدید کاملاً در جایگاه خود مستقر نشده [بودند]، و ردیف خانه‌های جدید، با عمق یک اتاق، به عنوان پوششی بر جداره خیابان، نمایان بودند» (Forbes, 1931, p105). با این اوصاف، مردم از آنچه بر شهرشان می‌گذشت منتقد بودند. سید حسن مدرّس در اعتراض به نوسازی شهری رضاشاه، در سخنرانی سال ۱۳۰۵ش خود در مجلس می‌گوید: «مدرنیزاسیون را باید از این گونه اعمال خلاف قانون علیه مردم و دارایی‌های آنان متمایز دانست» (Katouzian, 1981, p120). کاتوزیان (۱۹۸۱)، این دگرگونی‌های شهری را نمونه خوبی از اصلاح‌طلبی و نندالیزمی بدون برنامه توصیف کرده است؛ جایی که وندال‌ها به میل خود زندگی اجتماعی و میراث تاریخی را ویران کردند. هرتسفلد^۲، باستان‌شناس آلمانی -که از کابینه ایالتی برای دگرگونی شهری حمایت کرده بود و با بسیاری از اعضای آن همکاری کرده بود- به هارت اعتراف کرد: «این سیستمی است که هرآنچه را مربوط به گذشته است ویران می‌کند؛ بدون آن که هیچ‌چیزی جایگزین آن شود. هرچیزی که می‌بینیم تخریبی روش مند است ... که روزی عواقب آن نمایان خواهد شد» (Hart, 1932, pp 155-156). یکی از تفاوت‌های عمده مدرنیزاسیون دوره رضاشاهی نسبت به دوران قبل، قانون‌گرایی حکومتی بود. بخشی از سیاست‌های شهری در این دوره را وضع قوانین و آیین‌نامه‌ها پیرامون تشکیلات بلديه، وظایف و اختیارات آن، شرایط احداث بنا و وظایف مالکان تشکیل می‌داد. قانون بلديه در سال ۱۳۰۹ش یکی از نخستین قوانین شهرسازی بود که قدرت بسیاری به شهرداری‌ها می‌داد. یکی از مهم‌ترین محورهای آن، قانون توسعه و احداث معابر بود که در آذرماه ۱۳۱۲ش در مجلس شورای ملی تصویب شد (ساکما، ۲۹۳/۶۰۹۰). مطابق با این قانون به اداره بلديه اختیار داده شد تا برای تسهیل عبور و مرور و زیباسازی شهر، معبر، خیابان و میدان احداث کند. این قانون مبنای سیاست نوسازی شهری و بسیاری از تخریب‌ها از سال ۱۳۰۵ش و در طول دهه ۲۰ خورشیدی شد (کیانی، ۱۳۸۳، صص ۱۹۹-۲۰۲).

نظام شهرسازی در این دوره با تکیه بر همین قوانین، سیاست توسعه معابر را به گونه‌ای اجباری در دستور کار خود قرار داد. خیابان‌کشی در طرح‌های توسعه و نوسازی شهرها چنان واجد اهمیت بود که قانون وظایف بلديه‌ها را مراقبت در ساخت و توسعه ضروری معابر و خیابان‌ها به عنوان اقدامی تحول‌آفرین اعلان کرد (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۲). در قانون اولیه تنها به کلیدواژه‌های «توسعه» و «احداث» اشاره شده بود؛ اما در سال‌های بعد (و در قانون توسعه معابر در سال ۱۳۲۰ش) عنوان «اصلاح» نیز به آن دو افزوده شد.

1. Rosita Forbes (1890-1967)

2. Ernst Emil Herzfeld (1879-1948)



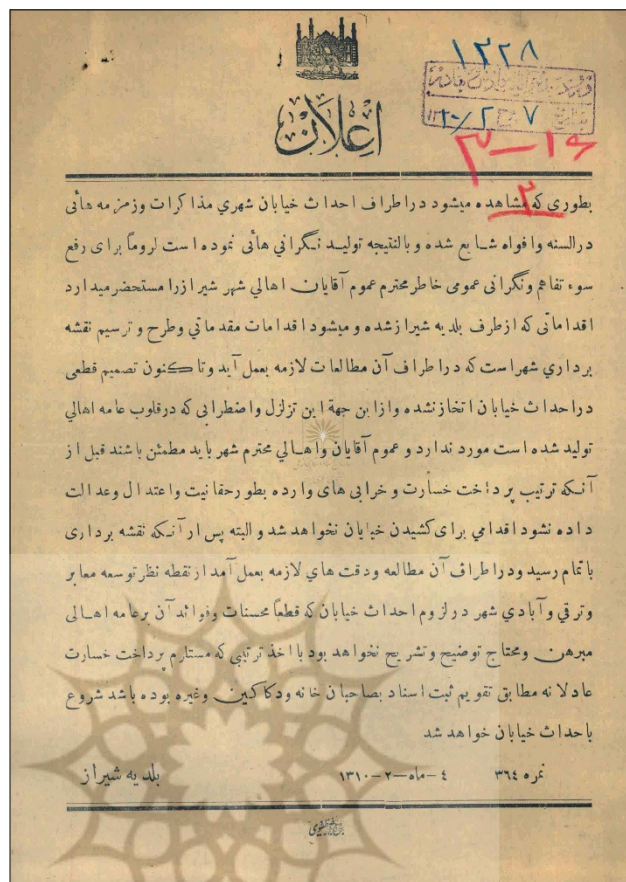
۴. روایت خیابان‌کشی در شیراز

به نظر می‌رسد نخستین بار در سال ۱۳۰۳ ش از لزوم احداث خیابان در شیراز سخن به میان رفته است. آن‌جا که روزنامه/ستخر با لحنی گزنده بلدیۀ شیراز را «دارالافتضاح» می‌خواند و با شماتت «اعصاب و رگ‌های از کار افتاده شهر و زندگی شبیه به مرگ» مردم شیراز را نیازمند انقلابی می‌داند که شیرازی‌ها را از «دردها و فلاکت‌های موجوده و مخاطرات آینده» آگاه سازد (ستخر، شماره ۳۵، صفحه ۱، ۱۸ دی ۱۳۰۳ ش). اما اقدام به خیابان‌کشی هم‌زمان با سال‌های نخستین سلطنت رضاشاه رخ نمود. در این دوره اقدامات آمرانه شهری، مایۀ ناخشنودی مردمانی شد که در تداوم سُننِ دیرین کوشا بودند. شیخ عبدالرسول نیر شیرازی از منتقدان دگرگونی‌های این دوره می‌نویسد: «خیابان برای ما زینت کردنِ مرده است و سرمه‌کشیدن به چشم کور؛ خضاب‌نمودن پیر و قهرمانی نمودن زمین‌گیر است» (نیر شیرازی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷). مطابق اسناد بررسی‌شده، نخستین شکوائیه‌های مکتوب مردم، مربوط به سال ۱۳۱۰ ش است (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۷). در این دوره، مردم از تصمیمات بلدیۀ برای احداث خیابان مطلع شده بودند و از خسارت‌های احتمالی آن نگران بودند؛ بنابراین طومارهایی در اعتراض به احداث خیابان تدوین می‌کردند. معترضان خواستار تجدیدنظر در مسیر خیابان و فلکۀ پیشنهادی بودند تا بتوانند مانع تخریب دکاکین و ازمیان‌رفتن سرمایه‌هایشان شوند. آن‌ها بیان می‌کردند که با وجود آنکه بلدیۀ پرداخت بهای املاک را وعده داده است، اما تخریب اماکن کسب موجب ازمیان‌رفتن معیشت روزمره‌شان می‌شود:

«خدمت اعضاءِ کمیسیون [...] امضاکنندگان زیر معروض می‌داریم اینکه: هریک از ما با هزاران زحمت فوق‌العاده تدارک یکی و دوتا دکان نموده [ایم]؛ برای اینکه در مواقع پیری و ناتوانی وسیلۀ معاش خود و عیالمان باشد. خلاصه حاصل زحمات شصت [ساله] و هفتادساله ماها همین است؛ که این هم متأسفانه در مسیر خیابان و فلکۀ واقع می‌شود [...]» (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۷).

نخستین سند موجود از سال ۱۳۱۰ ش، ساکنان محلۀ سردزک را خطاب قرار می‌دهد و به آن‌ها اطمینان می‌دهد که خیابان‌کشی، خسارتی برای اهالی نخواهد داشت و اگر تصمیمی برای ساخت خیابان اتخاذ شود، این اقدام عادلانه و متضمن منافع جامعه خواهد بود (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۶). نگرانی اهالی شیراز و بیم از تخریب اموال منجر شد تا بلدیۀ در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۱۰ ش در زمینه اقدامات خود و اطمینان‌بخشیدن به اهالی برای پرداخت عادلانه خسارت‌های وارده، پیش از هر تغییری در خیابان‌های شیراز اعلانی منتشر کند (تصویر ۲).





تصویر ۲

اعلان بلدیۀ شیراز در اطمینان بخشی به
ساکنان شهر در زمینهٔ احداث خیابان جدید
(ساکما، ۱۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۵)

در تاریخ ۲۹ اردیبهشت همان سال، اهالی شیراز، بار دیگر به فرمانده تیپ مستقل فارس نامه‌ای نوشتند و متذکر شدند که نقشهٔ خیابان‌های شیراز، خسارات بسیاری به شهر وارد می‌سازد؛ زیرا امتداد خیابان‌ها بر روی خانه‌های مردم کشیده شده است. در این نامه هم‌چنین تأکید شده است که ساختمان‌های شهر همه از سنگ، آجر و کاشی و مصالح گران‌قیمت ساخته شده است؛ بنابراین تخریب آن‌ها قابل جبران نخواهد بود:

«... راه در این نقشه همهٔ خانه‌های مردم است و شنیده شده که به سمع اولیای امور رسانیده‌اند که این خانه‌ها از خشت و گل است! این طور نیست. در شیراز خانهٔ خشت و گلی نیست، [و ساختن خانه با خشت و گل] فقط در ساختمان‌های جدیده معمول و مرسوم شده [است]؛ خانه‌های شهری همه از سنگ و آجر و کاشی و مصالح گران‌قیمت ساخته شده [است] و خسارات وارده غیر قابل جبران است...» (ساکما، ۱۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۵).

در روند خیابان‌کشی شیراز، احداث چهار رشته خیابان مدنظر بوده است. طبق اشارات اسناد، مهم‌ترین این محورهای چهارگانه، خیابانی بوده است که به‌سوی بوستان‌های قصرالدشت امتداد می‌یافته است. امتداد مستقیم و مرکز‌گرایی خیابان‌ها از جمله ویژگی‌های منظور در نقشه‌کشی شهری این مقطع بوده است. تمامی تلاش مصروف در احداث این چهار خیابان پرهیز از «وضعیت خرابی در شهر و تضییع حقوق ضعیفا» عنوان شده است (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲۵ و ۲۶). با این حال مردمی که خانه‌ها و دکانیشان در مسیر این خیابان‌ها بود، هم‌چنان عاجزانه از فرماندهان نظامی و نمایندگان بلدیة درخواست داشتند تا از مسیرهای پیشنهادی بازدید کنند؛ شدت خسارت را از نزدیک ببینند؛ و راه بهتری پیشنهاد بدهند (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۵).

در پی این اعتراضات، حسین سالار علی‌صفایی، تولیت خانقاه احمدی در محله سردزک، در نامه‌ای به ایالت فارس، به قیمت‌گذاری ناعادلانه املاک ازسوی بلدیة، اعتراض می‌کند و به شعری از سعدی اشاره می‌کند:

«گر در همه شهر یک سر نیستی است / در پای کسی رود که درویش تر است»
صفایی اظهار می‌دارد بخشی از منزل او نیز در شرف تخریب قرار گرفته است و برای او با پانزده سر عائله، تنها دو اتاق و پستویی کوچک باقی خواهد ماند. او تأکید می‌کند نخواهد توانست منزلی تازه خریداری کند و پیشنهاد می‌دهد معماری متدین چون حاجی محمدباقر برای تجدیدنظر در قیمت‌گذاری منازل تعیین بشود. او هشدار می‌دهد که کمتر از نیمی از خانقاه فقرای محله سردزک واقع در مسیر خیابان، تخریب خواهد شد. او در پایان از ایالت فارس استدعا می‌کند تا رأساً به این امور رسیدگی کنند تا خیابان‌کشی در نهایت عدالت و تساوی صورت گیرد (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۳). وزارت داخله - ایالت فارس هم در پاسخ تأکید می‌کند که به تمام جزئیات رسیدگی می‌شود و اطمینان می‌دهد که کم‌ترین خسارتی به خانقاه وارد نشود (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۲).

به تاریخ ۲۰ و ۲۳ خرداد ۱۳۱۰ ش، طی برگزاری جلسات رسمی با حضور هشت نفر از نمایندگان شهر، اداره بلدیة به اتفاق آراء مجاز می‌شود تا از ابتدای دروازه‌قرآن در امتداد خیابان حافظ به سمت کل^۱ شاهزاده قاسم (محور شمالی-جنوبی) و از کل مشیر به سمت شیخ ابوذرعه (محور غربی-شرقی) چهار خیابان به عرض تقریبی ۲۷ متر کشیده شود؛ به گونه‌ای که در محدوده بازار مسگرها تقاطعی تحت عنوان «میدان شاه» [بر جای تقریبی میدان فراموش‌شده شاه صفوی] احداث شود. در این فرایند حرم شاه‌چراغ در مجاور خیابان جدید تثبیت می‌شد (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲۹). با وجود این، مطابق یکی از

۱. کل: در شیراز قدیم «کل» نوعی از گشودگی در باروی شهر بوده که به‌مرور ایام شکل می‌گرفته است و به‌شکل دروازه‌ای غیررسمی، امکان ورود و خروج از شهر را در دوره قاجار فراهم می‌آورده است.



گزارش‌ها، نظمیه شیراز در ۲۵ خرداد ۱۳۱۰ ش احداث خیابان را متوقف کرد و مسگرها و مغازه‌دارانی که پیش‌ازین محل کسبشان را تخلیه کرده بودند بار دیگر به مغازه‌های خود بازگشتند (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۱).

در ۲۵ تیرماه همان سال، بلديه شیراز نقشه احداث چهار خیابان و میدان مرکزی را، مطابق آنچه در سند (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲۹) توصیف شده است تصویب کرد و معاون بلديه شیراز، نسخه‌ای از آن را به وزارت داخله ارسال کرد (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲۸). هم‌چنین، بلديه برای احداث این دو رشته خیابان، از بانک ملی دویست هزار تومان وام درخواست کرد. وزارت داخله با این تقاضا مخالفت کرد و در نامه‌ای، به بلديه شیراز پیشنهاد داد تا با اعتبار چهل و هشت هزار تومانی موجود مقدمات طرح را آغاز کند و هراندازه که میسر باشد احداث خیابان را پیش ببرد و در صورت نیاز، اگر بانک ملی بدون تعهد وزارت مالیه به پرداخت وام حاضر شد، مابقی خیابان را تکمیل کند (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲۱ و ۲۲).

هم‌زمان با این تحولات، ساکنان بار دیگر شکوایه‌ای خطاب به مجلس شورای ملی تنظیم کردند و متعاقباً وزارت داخله از ایالت فارس خواست تا به آن رسیدگی شود (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲۴). بلديه نیز در واکنش به اعتراضات، مشکلات شهر را برجسته کرد و به دلیل کوچه‌های تنگ و پریپچ‌وخم، طاق‌ها و بازارچه‌های کثیف و تاریک، شیراز را از جمله «دهات آباد» برشمرد (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۱۹). نامه اضافه می‌کند که این دگرگونی، همانند قانون متحدالشکل کردن لباس، با مقاومت روبه‌روست؛ اما سرآخر «مردم بی‌سواد» از پیدایش خیابان خشنود خواهند بود.

بدین ترتیب، خیابان‌کشی به مثابه رفرم یا اصلاحی فرهنگی مورد تأکید جریان قاهر مدرنیزاسیون شهری بود و خیابان، مظهر و تبلور مدرنیته‌ای ناخوانده بود. در ادامه نامه، به ابنیه تاریخی و مهم شهر اشاره شده است که به دسترسی مناسب، روشنایی و آب‌وهوای خوب نیاز دارند. نامه در پایان به منتقدان احداث خیابان اشاره می‌کند و معتقد است که آن‌ها به نام بیچارگان به مجلس نامه نوشتند؛ در حالی که بلديه بدون پرداخت غرامت خانه‌ها و مغازه‌ها، هیچ ملکی را تخریب نمی‌کند: «مگر محترمین و متمولین شهر در یک نقطه مخصوص منزل دارند و بیچارگان در نقطه دیگر؟! ... آیا خیابان چیزی است که بلديه خواسته از جلو ابنیه بیچارگان عبور دهد؟!» (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲۰). این اشاره البته گویای کیفیت امتزاج اجتماعی پیش‌از آغاز مدرنیزاسیون شهری است. دیری نپایید که متمکنین به محله‌های نوساز بیرون شهر تاریخی کوچیدند تا عمارات موسّعثان را در مجاورت خیابان‌های وسیع برپا دارند.

توجیهات مبسوط بلدیہ در قبال اعتراض مردم، وزارت داخلہ - ایالت فارس را معجب ساخت. در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۱۰ ش دستور صادر شد: مادامی که تمامی نواحی مندرج در طرح دقیق بازرسی نشده است، هیچ اقدامی در زمینه خیابان‌کشی انجام نشود (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۱۷). بلدیہ در تاریخ ۱۸ مرداد دستور توقف احداث خیابان‌های جدید را صادر کرد (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۴).

سندی که از حدود یک سال بعد (۲۴ مهر ۱۳۱۱ ش) موجود است، ضمن اشاره به توقف احداث خیابان در شیراز، خیابان‌کشی را هدف افرادی عاری از انصاف می‌داند. این نامه که از سوی وزارت داخلہ - ایالت فارس به دربار ارسال شده است، از شاه استدعا می‌کند ابتدا یکی از بانک‌های داخلی را برای پرداخت خسارت خانه‌های مردم تعیین کنند، سپس خیابان‌ها را به گونه‌ای احداث کنند که آثار مهم تاریخی، بقاع متبرکه و مساجد صدمه‌ای نبیند (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۱۵). کمتر از یک ماه بعد، نامه‌ای از وزارت داخلہ به ایالت فارس ارسال شد. در این نامه به نگرانی مردم از احداث خیابان در شهر قدیم شیراز اشاره شده بود و بر نحوه رسیدگی به شکایات و صیانت از حقوق افراد تأکید شده بود (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۲).

در تاریخ ۴ دی ۱۳۱۱ ش، فهرستی شامل اسامی ۱۰۳ نفر از معترضان به احداث خیابان، به بلدیہ شیراز گزارش شد. در این سند، سه نفر به عنوان سر دسته مخالفان در محله‌های سردزک، میدان شاه و اردوبازار معرفی شدند. بلدیہ باور داشت که این افراد برخی از مردم را به امضای شکایت‌نامه^۱ وادار می‌کنند؛ مردمی که بسیاری شان خانه شخصی و محل کسبی واقع در امتداد طرح خیابان‌کشی ندارند و بعضاً از مفاد شکوائیه هم نامطلع هستند و به امضای نامه وادار شده‌اند (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۱۰ و ۱۱).

در ادامه، دو سند پیوسته بدون تاریخ هم وجود دارد حاوی شکوائیه‌ای از اهالی شیراز با سربرگ وزارت داخلہ - ایالت فارس. با تحلیل محتوای این دو سند، به نظر می‌رسد تاریخ آن می‌باید همان سال ۱۳۱۱ ش باشد؛ زیرا به نگرانی ساکنان در زمینه احداث خیابان در شهر قدیم شیراز در سال پیش از آن اشاره می‌کند. مضمون کلی سند، انعکاس دیگر باره نگرانی اقشار بی بضاعت، خصوصاً زنان بی سرپرست و ایتم، و تخریب منازلی است که غالباً شامل یک اتاق خشتی کوچک بوده است. اینجا البته تناقضی با آنچه در سال ۱۳۱۰ ش درباره مصالح بادوام و ذی قیمت خانه‌ها بیان شده بود (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۵)، وجود دارد. متن نامه در ادامه می‌افزاید که دولت مسکن مردم را بین ۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰ ریال ارزش گذاری کرده است که با تخریب گسترده و مضیقه‌ای که در تأمین مسکن پدیدار خواهد شد، این مبالغ برای تهیه مسکن جدید کافی نخواهد بود و تنها یک سال اجاره منزل را تکافؤ [کفایت] خواهد کرد (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۱۲ و ۱۳).

۱. احتمالاً به اسناد ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۴، برگ ۳۵ و ۳۶ اشاره دارد.



متعاقباً، در سندی مربوط به سال ۱۳۱۳ ش، انجمن بلديه، نقشه خیابان‌کشی پیشنهادی شیراز را تصویب می‌کند و ضمن توصیف معضلات شهر از جمله کوچه‌های باریک و معابر پیچیده و غیر قابل دسترس برای عبور وسایل نقلیه، روشنایی نامناسب معابر و وجود امراض بسیار، بر لزوم اتصال شهر جدید و قدیم شیراز تأکید می‌کند و اظهار می‌دارد: «برای تسهیل عبور و مرور و اتصال این دو بخش، خیابان‌هایی در شهر کهنه احداث شود» (ساکما، ۳۵۰/۳۴۷، برگه‌های ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷). این سند و سندی دیگر پیرو همین نامه (ساکما، ۳۵۰/۳۴۷، برگه ۸۵، ۸۶)، نقشه خیابان‌کشی را میدانی در میانه شهر و چهار خیابان منشعب از آن توصیف می‌کند. میدان به طول ۱۳۰ متر و عرض ۹۰ متر و خیابان اول به طول ۹۴۵ متر و عرض ۲۲ متر و خیابان دوم که در امتداد خیابان پهلوی است دارای طول ۲۱۰ متر و عرض ۱۸ متر است. سه خیابان دیگر نیز در همین مرحله پیش‌بینی شده بودند؛ اما اجرای آن‌ها عجلتاً در دستور کار نبوده است و از موقعیت و ابعاد آن‌ها اطلاع بیشتری در دست نیست.

بین اسناد بازیابی شده مرتبط با خیابان‌کشی در شیراز، خلئی چندساله وجود دارد. حدود ۷ سال پس از واپسین مستندات مرتبط با احداث خیابان‌های جدید، سندی به تخریب یک کاروان‌سرا و ۶ باب مغازه در مسیر خیابانی از کل مشیر به دروازه کازرون [خیابان قآنی بعدی]، اشاره می‌کند. از این سند که تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۱۸ ش را بر خود دارد، استنباط می‌شود که خیابان‌کشی در شهر قدیم شیراز به انجام رسیده بوده است؛ ولی شکایات مردمی هم در دادگاه‌های صالحه هم‌چنان در حال دادرسی بوده است (ساکما، ۳۵۰/۵۵۹۴، برگ ۱).

۵. یافته‌ها

در جمع‌بست یافته‌های این پژوهش، نخست می‌باید اشاره کرد که توسعه خیابان‌های مدرن در شیراز با توجه به اسناد بازخوانی شده، در دو بخش شهر قدیم یا کهنه [شهر تا دوره قاجار] و شهر جدید [توسعه‌های دوره پهلوی اول بعد از سال ۱۳۰۸ ش] تعریف شده است (ساکما، ۲۲۰/۱۸۲۵۷، برگ ۲۵). از آنجاکه این پژوهش بر خیابان‌کشی‌هایی متمرکز است که شهر قدیم را هدف قرار داده‌اند و به تخریب بخش‌هایی از آن انجامیده‌اند، آنچه در محدوده شهر جدید رخ داده، به دلیل آنکه احداث خیابان بدون تخریب بافت کالبدی پیشین انجام شده است، از مقوله خیابان‌کشی متمایز است و بیشتر در چارچوب خیابان‌سازی قابل بررسی است؛ هرچند در همین بخش نیز، احداث خیابان زند [که در اسناد سال ۱۳۰۸ ش، «زندیه» عنوان شده است]، دستمایه طرح شکایاتی مبنی بر انهدام

عمارات و دڪاڪين بڊهه اسٽ (ساڪما، ۲۴۰/۳۶۹۷۱، برگ ۴). با تحليل عمیق تر یافته‌های منتج از این اسناد، مدرنیزاسیون شهری شیراز در دوره پهلوی اول را می‌توان در چهار بخش دسته‌بندی کرد. هریک از این بخش‌ها نمایانگر بُعدی از تحولات مدنی، و تأثیر آن بر جامعه، اقتصاد، و فرهنگ شهری شیراز در آن برهه پرتلهاب تاریخی است.

الف) اعتراض مردم شیراز به خیابان‌کشی

شکایت ساکنان و اعتراض به روند توسعه شهر و خیابان‌کشی در بطن شهر قدیم، اصلی‌ترین محتوای اسناد بازخوانی شده است. این اعتراضات را می‌توان در سه حوزه مستقل بازشناسی کرد: نخست: نقض حقوق اقشار بی‌بضاعت، و تخریب محل زندگی و کسب معیشت آنان؛ دوم: احتمال آسیب به عناصر تاریخی شهر، از جمله بناهای تاریخی آستان شاه‌چراغ، بقاع متبرکه، مساجد و بناهای واجد ارزش؛ و سوم: فروکاستن از منزلت اقتصادی و اجتماعی شهر قدیم، و قیمت‌گذاری نامنصفانه بر منازل و دكاكین.

احداث خیابان در شیراز بر زیست ساکنان تأثیر گذاشت و معیشت و کسب آنان را به‌مخاطره انداخت. بسیاری از مردمان شهر، نگران از تخریب محل سکونت و کسب، نه تنها با بحرانی اقتصادی-اجتماعی دست‌به‌گریبان شدند، بلکه بخشی از هویت‌مندی تاریخی‌شان نیز خدشه‌دار شد. در این باره، شیخ عبدالرسول نیر شیرازی به‌وضوح اظهار می‌دارد: «ما که نان نداریم سَدَّ جوع کنیم، کجا شایسته خیابان یا بیابانیم؟! ما که لباس نداریم بپوشیم، کجا بایسته تفریح و استنشاق هوای جدیدیم؟! مگر خیابان برای ما کشیده شد؟! مگر آسایش ما منظور بود؟! شیخ نیر شیرازی، این نقد را با کنایه‌ای از ضرورت تعبیه زیرساخت‌های مناسب برای رفاه دولت‌مردان به‌ویژه تردّد بیگانگان تحت‌عنوان میهمانان خارجی مطرح می‌کند که: «گفتند اگر یک نفر اروپایی بخواهد اینجا بیاید... اگر فردی از خارجه مهمان ما شود، راه موتورش پاک و باز باشد» (نیر شیرازی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷). در داستان کوتاه «از روزگار رفته حکایت» به‌قلم ابراهیم گلستان، به‌شکلی دیگر به این مطلب اشاره شده است که خیابان تنها معبری بود برای اتومبیل بزرگان و مقامات:

«دایی توقع داشت وقتی که عید می‌آید ما در عمارت نو باشیم؛ جایی که درخور شخصیت نمایندگی باشد؛ اما در کوچه جلو خانه‌مان، جایی برای ایستادن اتومبیلش نبود؛ اصلاً راهی برای راندن آن‌هم نبود. او رفت در خانه یک دوست وارد شد که در خیابان بود» (گلستان، ۱۳۴۸، ص ۳۲).

توجه آیینی به میراث شهری و دغدغه‌مندی تخریب آثار تاریخی-مذهبی شیراز سرفصلی دیگر از واخواهی مردمان شیراز در این مقطع خطیر بوده است. در زمینه مصالح

۱. از مجموعه داستان «مَد و مَه» که در زمستان ۱۳۴۸ش به رشته تحریر درآمده است.

به‌کاررفته در ساخت ابنیه شیراز، بلدیہ معماری این بناها را فاقد ارزش، و جنس مصالح به‌کاررفته را خشت‌وگل عنوان کرده‌است؛ حال‌آنکه حسن حسینی فسایی صاحب *فارس‌نامه ناصری* (حسینی فسائی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۱۰) تصریح می‌کند که مصالح استفاده‌شده در ساختمان‌های شیراز عموماً آجر و چوب به‌گل‌آغشته است. این تضاد آراء مؤید ابرام بر مواضع مدرنیزاسیون اقتدارگرا ازسوی دولت محلی، و تحمیل آن بر ساکنان است. آسیب مالی ناشی از ارزیابی نامنصفانه بهای مساکن و دکاکین -که شاید تا همین روزگار نیز در طرح‌های توسعه شهری ایران رایج باشد- (کامروا، ۱۳۸۴، ص ۱۹۸)، بخش دیگری از اعتراض مردم به اقدامات بلدیہ بوده‌است. روند ناعادلانه تملک و سلب مالکیت، اصطکاک‌های انکارناپذیر را با منافع جامعه محلی و اهالی محله‌های تاریخی شهر رقم زد.

ب) اعلانات رسمی و نامه‌های دولتی به مردم

بخش دوم اسناد بازخوانی‌شده، نامه‌ها و اعلانات رسمی خطاب به مردم را شامل می‌شود. تنها یکی از این اعلانات به مردم اطمینان می‌دهد که خسارات ناشی از تخریب منازل و دکاکین به‌نحو عادلانه جبران و بازپرداخت خواهد شد. بلدیہ طی این اعلانات از جزئیات توسعه معابر سخنی به‌میان نمی‌آورد. این بدان معناست که نهاد حاکم، بیشتر مترصد آرام کردن اذهان عمومی بوده‌است تا چاره‌اندیشی برای نگرانی‌های جامعه شهری شیراز. در همین باره، شیخ عبدالرسول نیز شیرازی می‌نویسد: «اول خانه را قیمت می‌کردند، بعد خراب می‌نمودند که یک جو بی‌عدالتی در کار نیاید و کسی از حقش محروم نگردد... به‌همین حق‌بازی‌ها برای آسایش مردم، خانه‌های خلق‌الله را خراب کردند و مردم را بی‌خانمان کردند» (نیر شیرازی و دیگران، ۱۳۸۷، صص ۱۵۸ و ۱۵۹).

علاوه‌بر نخستین اعلانات، به‌دلیل دامنه‌داربودن اعتراضات مردم، نامه‌هایی نیز در پاسخ به بازخواست‌های دولت مرکزی تنظیم شده‌است که معمولاً به توقف مقطعی روند خیابان‌کشی‌ها منجر شده‌است (ساکما، ۲۹۳/۳۸۸۳۰). این دست از نامه‌ها، به‌ویژه مواردی که مرجع صدورشان ایالت فارس است، فحوایی اطمینان‌بخش دارد و بر نظارت مستقیم دولت مرکزی بر توسعه‌های شهری تأکید می‌ورزد (ساکما، ۳۵۰/۳۴۷، برگ ۵۱). این دوگانگی در واکنش به اعتراض شهروندان، می‌تواند نمایانگر تنش موجود میان مقامات دولت مرکزی و محلی بین سال‌های ۱۳۱۰ش و ۱۳۱۱ش، و یا سیاست‌ورزی زیرکانه دولت مرکزی در تقسیم نقش‌ها و مواجهه دوگانه با نارضایتی فزاینده از مدرنیزاسیون شهری اقتدارگرایانه بوده باشد.

ج) مڪاتبات مقامات و نهادهای دولتي

بخش سوم از اسناد به بررسی مڪاتبات بين سازمانی مقامات دولتي اختصاص دارد. این نامه‌ها شامل اوامري ازسوی ایالت فارس خطاب به بلديه است که در آن بلديه مکلف می‌شود به شکوائیه مردم رسیدگی کند (مانند ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۷، برگ ۱۷). در مقابل، بلديه نیز نامه‌هایی با هدف توجیه اقداماتش در زمینه احداث خیابان‌ها تنظیم و بر این نکته تأکید می‌کند که تمامی اقدامات عمرانی ملحوظ در طرح خیابان‌کشی، به نفع آینده شهر و ساکنان آن است و هیچ‌گونه منفعت شخصی برای مقامات نخواهد داشت (مانند ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۷، برگ ۱۹).

بلديه در نامه‌ها به عوامل متعددی که موجب ضرورت این اقدامات شده‌اند اشاره می‌کند؛ از جمله: آلودگی‌های محیطی؛ فقدان فضای شهری در دسترس و مناسب؛ و ناآگاهی اهالی شیراز از درک مزایای «مدنیت». افزون‌براین، مقامات بلديه باور داشتند که بسیاری از شکایات را افرادی که به دنبال منافع شخصی خودشان هستند، به نمایندگی از قاطبه آسیب‌دیدگان شهر، تنظیم می‌کنند (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۷، برگ ۱۰ و ۱۱). در میان محله‌هایی که در شکوائیه‌های ساکنان به آن اشاره شده‌است دو محله سردزک و میدان شاه، و اهالی اردوبازار به دلیل این که بیشتر در معرض تخریب بوده‌اند و در امتداد خیابان‌های پیشنهادی واقع بوده‌اند، در تهییج و همراه کردن اهالی سایر محله‌ها می‌کوشیده‌اند. این بخش از اسناد نمایانگر تنش موجود میان مقامات شهری و نیز تلاش برای تبیین و تثبیت مشروعیت نهاد اداره شهر است.

د) موقعیت مکانی و نقشه خیابان‌کشی‌های مدرن در شیراز

بخش دیگری از اسناد، موقعیت مکانی و فرم خیابان‌ها و میدان‌های پیشنهادی برای بهبود ساختاری شهر قدیم شیراز را بررسی کرده‌است. یکی از بارزهای طرح خیابان‌کشی منعکس در اسناد، تکوین ساختاری چلیپایی بوده‌است که در مرکز آن فضایی به نام «میدان شاه» قرار داشته باشد. موقعیت این میدان، طبق اسناد موجود، در نزدیکی بازار مسگرها توصیف شده‌است. این دو رشته خیابان چلیپایی شامل محورهای زیر بوده‌اند:

- محور شمالی-جنوبی: از سمت دروازه قرآن آغاز می‌شد و از دروازه اصفهان عبور می‌کرد و در نهایت از میانه بافت به کل شاهزاده قاسم منتهی می‌شد.
- محور شرقی-غربی: از کل شیخ ابوذرعه شروع می‌شد و به سمت کل مشیر ادامه می‌یافت و در نهایت به بوستان‌های قصرالدشت می‌رسید.

با بررسی نقشه سال‌های ۱۳۲۶ش و ۱۳۲۸ش شیراز، و همچنین عکس هوایی سال ۱۳۳۵ش شیراز، می‌توان مشاهده کرد که در محور شرقی-غربی، تنها خیابان لطف‌علی‌خان زند، به عنوان خیابانی اصلی، مطابق با پیشنهادهای اولیه، اجرا شده‌است. در اسناد مورد مطالعه،



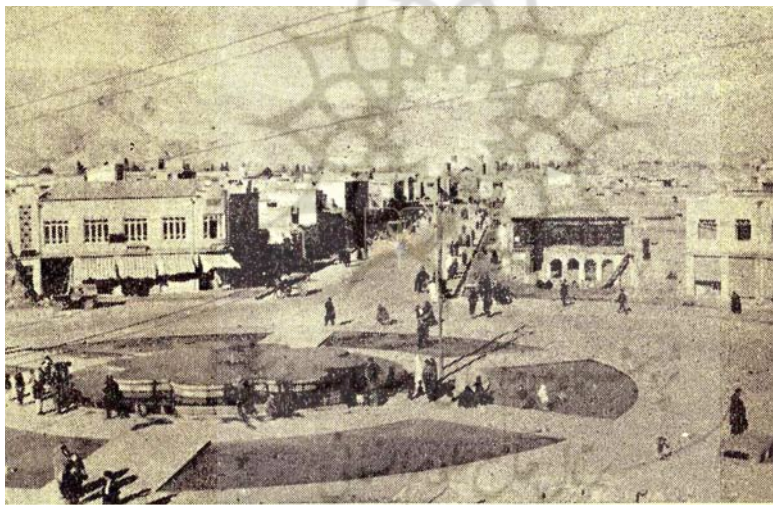
روند خیابان‌کشی در شیراز، از تصوّر تا واقعیت، در نقشه‌ای استنباطی مبتنی بر داده‌های تحلیل‌شده از اسناد، ترسیم شده‌است (تصویر ۳). لایه نخست (خط‌کشی به‌رنگ قهوه‌ای)، احداث خیابان‌ها تا سال ۱۳۱۰ش را نشان می‌دهد که عمدتاً خارج از محدوده شهر قدیم توسعه یافته‌است. لایه دوم (خط‌کشی به‌رنگ سبزآبی) تکوین خیابان‌های درون شهر قدیم تا سال ۱۳۲۶ش را و لایه سوم (خط‌کشی به‌رنگ قرمز)، ادامه این روند تا سال ۱۳۳۵ش را به نمایش می‌گذارد.



تصوير ۳

بازخوانی روند خیابان‌کشی‌های شیراز
در دورهٔ مدرنیسمیون اقتدارگرا (مبتنی بر
اسناد) (نگارندگان)

تصویر ۳ نشان می‌دهد که اعتراضات مردم و توقّف احداث خیابان در سال ۱۳۱۰ش، تأثیرات چشم‌گیری بر گُندکردن روند توسعه خیابان‌های شیراز داشته‌است. این وقایع نه تنها موجب وقفه در اجرای پروژه‌های شهری شد، بلکه غیرمستقیم مانع از تخریب کامل بخش‌های مهمی از بافت تاریخی شهر شد. در طرح اولیه، خیابان شمالی-جنوبی پیشنهادی، شامل بخشی از بازار نو و بازار وکیل از دروازه‌اصفهان تا بازار مسگرها بود (ساکما، ۳۵۰/۷۴۱۷، برگ ۲۹). ولی پس از حدود چهار سال، طرح جدیدی در اسناد توصیف شده‌است که محور شمالی را در امتداد خیابان پهلوی [خیابان طالقانی کنونی] تعریف می‌کند (ساکما، ۳۵۰/۳۴۷، برگ ۴۶، ۴۷، ۴۸). بدین ترتیب، احداث خیابانی به سمت جنوب از دروازه‌اصفهان متوقّف شده‌است. در نهایت عکس شهری سال ۱۳۲۹ش نشان می‌دهد که محور شمالی-جنوبی در امتداد خیابان پهلوی نیز شکل نگرفته‌است و به جای آن، خیابان احمدی با تخریب محور تاریخی بازار مرغ و در مجاورت سه محله لب آب، سردزک و سر باغ، به ترتیبی اجرا شده‌است که بخش قابل توجهی از محله سردزک از تخریب نجات یافته‌است (تصویر ۴).



تصویر ۴

فلکه احمدی و امتداد خیابان به‌سوی شمال که از تخریب بازار مرغ به‌وجود آمد (سال ۱۳۲۹ش) (ساکما، ۳۵۰/۱۸۰۷/۳۵، برگ ۲۵)

۶. نتیجه

مدرنیزاسیون شهری در ایران دوره پهلوی اول، همواره تحت تأثیر نوعی مقاومت از سوی آحاد مردم و تقابل منافع مردمان کوچه‌بازار با برنامه‌های دستوری حکومت مرکزی بود. از آنجاکه امکان اندکی برای تغییر ناگهانی ضرب‌آهنگ زیست تاریخی-سنتی در شهرها وجود داشت، برنامه‌هایی نظیر خیابان‌کشی و ساخت میدان‌های رسمی، و تصویب قوانینی با هدف نوسازی شهری، از جمله قانون توسعه معابر، در دستور کار قرار گرفت.



باوجوداین، تلاش‌های حکومت برای مدرنیزاسیون یکپارچه در شهرهای ایران بیشتر به اعمال سیاست‌های ترقی‌گرایانه‌ای محدود شد که بستر اجتماعی و فرهنگی متناسبی برایش وجود نداشت. بیشتر دگرگونی‌ها، وام‌دار مسندنشینی نظامیان در کسوت رؤسای بلديه‌ها (بعدتر درمقام شهرداران) انجام شد و به ظهور نوعی مدیریت پادگانی در شهرها انجامید. همین شیوه از تصدی‌گری بود که می‌توانست متضمن اجرای منویات مدرنیزاسیون، سلب مالکیت از ساکنان، و ساخت پروژه‌های شهری نوین باشد.

در شیراز نیز خیابان‌کشی، همانند سایر شهرهای مهم آن دوره، به‌بهانه مدرنیزاسیون و ایجاد معبرهای عریض و هم‌چنین تسهیل حمل‌ونقل سواره -که امری نسبتاً نوظهور بود- انجام شد. مختصات این سیاست چنان بود که بیش‌از آنچه به توسعه بماند، مایه تظلم‌خواهی ساکنانی بود که محل سکونت، کسب و معیشت، و بیش‌از هرچیز بخشی از هویت تاریخی‌شان را در معرض تهدید و تخریب می‌دیدند. بلديه به‌مثابه مجری روند مدرنیزاسیون شهر، در صدد بود تمامی خسارات مادی مرتبط با اجرای طرح خیابان‌کشی را با پرداخت غرامت به شهروندان پوشش دهد. چنین تمهیدی، در نظر داشت قاطبه مردم را متقاعد سازد که مدرنیزاسیون دفعی امری است اجتناب‌ناپذیر. روندی که افزون‌بر مزایای بلندمدت، منفعتی را نیز در کوتاه‌مدت متوجه اهالی خواهد کرد و آنان را در آستانه فرصت‌هایی جدید برای کوچیدن به بخش‌هایی تازه از شهر در حال شکوفایی قرار خواهد داد. ساده‌انگاشتن تبعات اجتماعی-فرهنگی مدرنیزاسیون شهری اقتدارگرایانه، به‌گواه اسناد و مدارک تاریخی بر جای مانده، دامنه‌ای از ناخشنودی‌ها و اعتراض مردمی را موجب شد که باوجود به‌ثمر رسیدن تدریجی و توأم با وقفه طرح‌ها، فاصله‌ای معنادار میان سودای بلندپروازانه مدرنیزاسیون و واقعیت ابتر شکل‌گرفته در گستره شهرهای تاریخی را سبب شد.

از سال‌های ۱۳۱۰ش به‌بعد، کشمکش میان چشم‌انداز رسمی مدرنیزاسیون و ضرب‌آهنگ زیست مردمان، به شکایت و اعتراض اهالی شیراز قدیم انجامید و احداث دو رشته خیابان چلیپایی متکی بر اسلوب هندسه راست‌گوشه مدرنیستی را با وقفه‌هایی مواجه ساخت. با تغییری که بعدها در مسیر احداث محورهای این طرح به‌وقوع پیوست، تخریب بخش‌هایی از بافت تاریخی به‌تعیق افتاد. این وقفه‌ها، به‌همراه تغییر در سیاست‌های کلان ملی، و تحولات سیاسی و نامالیماتی که به‌ویژه طی سال‌های ۱۳۲۰ش تا اواخر همان دهه بر روند مدیریت شهری سایه افکند، موجب شد تا خیابان‌کشی‌های جدید، هرگز به‌شکلی کامل و منطبق با کیفیت مشابه آنچه در سرزمین‌های مبدأ، از جمله فرانسه در دوران صدارت بارون هوسمان تجربه شده بود، به سرانجام نرسد. بدین ترتیب، به‌نظر می‌آید شیراز و احتمالاً بسیاری دیگر از شهرهای

ایران که محمل مدرنیزاسیون شهری دوره پهلوی اول بوده‌اند، هیچ‌گاه فرصتی برای درک مختصات واقعی مدرنیته نیافته‌اند و همواره در نوعی بی‌ثباتی قرار داشته‌اند. آنچه در آیینۀ اسناد مربوط به مدرنیزاسیون شهری شیراز دوره پهلوی اول قابل‌بازایی است، روندی را به‌تصویر می‌کشد که طی آن محوریت منافع منتج از خیابان‌کشی‌ها، موجب افزایش مرغوبیت و بهای املاک ثروتمندان شهر، و ایجاد چرخه‌ای از اعیان‌سازی منطبق با خط‌مشی طبقه حاکم و صاحب‌قدرت می‌شد. ماهیت اقتدارگرایانه و قدرت‌ورز مدیریت شهری این دوره، مردم را به‌سوی دریافت تصویری مخدوش از نوسازی شهری سوق داد. در این حالت، هرگونه برنامه توسعه‌ای، متضاد با منافع مردم، و به‌مثابه تهدیدی برای تداوم زیست و کسب روزی اهالی به‌چشم می‌آمد. بدین ترتیب، شاید دور از واقعیت نباشد که حتی تا روزگار کنونی هم، هنوز طرح‌های توسعه شهری، کمتر توفیق و مجالی برای تحقق فراگیر و تأثیر بنیادی بر زیست مطلوب شهری شهروندان داشته‌اند و ماهیت امر توسعه در حافظه جمعی دست‌کم چهار نسل از مردمان، با زوال تدریجی هسته‌های شهری، و تحلیل بُن‌مایه‌های فرهنگی و تاریخی مترادف بوده‌است.

منبع

اسناد آرشیوی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما)

۳۵۰/۳۴۷/۵۱؛ ۲۹۳/۳۸۸۷۷؛ ۲۹۳/۳۸۸۳۰؛ ۲۹۳/۱۸۰۰۷/۳۵؛ ۲۹۳/۶۰۹۰؛ ۲۴۰/۳۶۹۷۱/۴؛ ۲۲۰/۱۸۲۵۷/۲۵؛ ۳۵۰/۳۴۷/۸۵؛ ۳۵۰/۳۴۷/۸۶؛ ۳۵۰/۳۴۷/۱۰۵؛ ۳۵۰/۳۴۷/۱۰۶؛ ۳۵۰/۳۴۷/۱۰۷؛ ۳۵۰/۵۵۹۴/۱؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۱؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۴؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۵؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۱۰؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۱۱؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۱۲؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۱۳؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۱۵؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۱۷؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۱۹؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲۰؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲۱؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲۲؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲۴؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲۵؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲۶؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲۸؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۲۹؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۳۲؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۳۳؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۳۵؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۳۶؛ ۳۵۰/۷۴۱۴/۳۷.

عکس هوایی سال ۱۳۳۵ ش شیراز. تهران: سازمان نقشه‌برداری کشوری.

قانون راجع به احداث و توسعه معابر و خیابان‌ها. (مصوب ۲۲ آبان ۱۳۱۲ ش). تهران: مطبوعه نوین.

نقشه شهر شیراز. (۱۳۰۲). فیروز میرزا نصرت‌الدوله به مواظبت میرزا ابوالحسن خان مهندس.

نقشه شیراز. (۱۳۲۶). ترسیم‌شده توسط سرهنگ قوانلو و شبانی.

نقشه شیراز. (۱۳۲۸). ترسیم‌شده توسط علی‌رضا فداکار.



کتاب

- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*. (احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، مترجمان). تهران: نی.
- آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۲). *مشروطه ایرانی*. تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۲). *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپه‌سالار*. تهران: خوارزمی.
- آریان‌پور، علی‌رضا. (۱۳۶۵). *پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران و باغ‌های تاریخی شیراز*. تهران: فرهنگ‌سرا (پساوولی).
- اجلایی، فرزام. (۱۳۷۳). *بنیان حکومت قاجار: نظام سیاسی ایلی و دیوان‌سالاری مدرن*. تهران: نی.
- افسر، کرامت‌الله. (۱۳۵۳). *تاریخ بافت قدیمی شیراز*. تهران: انجمن آثار ملی.
- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۷۸). *تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران*. (ج ۲). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۵). *درک شهری از مشروطه: مقایسه حوزه مشروطه‌خواهی اصفهان و تبریز*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۷۸). *از شار تا شهر*. تهران: دانشگاه تهران.
- حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۸۴). *از شار تا شهر*. تهران: دانشگاه تهران.
- حسینی فسائی، حاج‌میرزا حسن. (۱۳۷۸). *فارس‌نامه ناصری*. (ج ۱، ج ۲). (منصور رستگار فسایی، مصحح و حاشیه‌نویس). تهران: امیرکبیر.
- خالصی، محمدرضا. (۱۳۸۷). *از بلديه تا شهرداری: تاریخ صدساله شهرداری شیراز*. شیراز: شهرداری شیراز.
- خلیلی‌خو، محمدرضا. (۱۳۷۳). *توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه*. تهران: جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. (ج ۷). (چاپ دوم از دوره جدید). تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- ذکاء، یحیی. (۱۳۴۹). *تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان*. تهران: انجمن آثار ملی.
- رئیس، اکبر. (۱۳۸۸). *گذری بر روند تحولات و تشکیلات شهرداری شیراز از احتسابیه تاکنون*. شیراز: شهرداری شیراز.
- صانع، منصور. (۱۳۶۹). *پیدایش عکاسی در شیراز*. تهران: سروش.
- صانع، منصور. (۱۳۸۰). *به یاد شیراز: عکس‌های شیراز قدیم*. تهران: منصور صانع.
- صانع، منصور. (۱۳۹۰). *شیراز کودکی ما: عکس‌های شیراز قدیم*. شیراز: منصور صانع.
- صانع، منصور. (۱۳۹۶). *شیراز روزگار جوانی: عکس‌های شیراز قدیم*. تهران: منصور صانع.
- قاسم‌خان، علی‌رضا. (۱۳۹۷). *تکیه دولت: از بودن و نبودن*. تهران: علمی و فرهنگی.

کامروا، محمدعلی. (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر شهرسازی معاصر ایران*. تهران: دانشگاه تهران.

کریمان، حسین. (۱۳۵۵). *تهران در گذشته و حال*. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.

کیانی، مصطفی. (۱۳۸۳). *معماری دوره پهلوی اول*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

گلستان، ابراهیم. (۱۳۴۸). *مَد و مَه: سه داستان*. تهران: روزن.

مخبر السلطنه هدایت، مهدی‌قلی. (۱۳۴۴). *خاطرات و خطرات: توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه، و گوشه‌ای از دوره زندگی من*. (چ ۲). تهران: کتاب‌فروشی زوار.

میرسپاسی، علی. (۱۳۸۴). *تأملی در مدرنیته ایرانی: بحثی درباره گفتمان‌های روشن‌فکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران*. (جلال توکلیان، مترجم). تهران: طرح نو.

ندیم، مصطفی. (۱۳۹۴). *خیابان کریم‌خان زند شیراز (همراه با بررسی تاریخی، اجتماعی محله پشت استاندارد)*. شیراز: امید دانا.

نیر شیرازی، عبدالرسول؛ نیری، محمدیوسف؛ نیازکار، فرح. (۱۳۸۷). *روزگار پهلوی اول: نقد و تحلیل رخدادهای مهم سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در روزگار رضاشاه همراه با نکته‌ها و سرگذشت‌های عبرت‌آموز*. شیراز: دریای نور.

مقاله

اسماعیل دخت، مریم. (۱۳۹۶). «مداخلات دیدگاه حاکم بر زیبایی‌شناسی خیابان زند شیراز در سه دوره تاریخی». *هنر و تمدن شرق*، ۵(۱۸)، صص ۴۳-۵۴.

اسماعیل دخت، مریم؛ منصوری، سیدامیر؛ شیبانی، مهدی. (۱۴۰۰). «قیاس تطبیقی خوانش ساکنین از شهر (منظر شهری) با طرح‌های توسعه شهری بررسی انتقال منظر شهر سنتی به شهر معاصر شیراز». *باغ نظر*، ۱۸(۹۶)، صص ۴۵-۵۸.

حبیبی، محسن. (۱۳۷۵). «تحول و گسترش تهران در زمان رضاشاه». چاپ‌شده در کتاب: *تهران پایتخت دویست ساله* (مجموعه مقالات). (شهریار عدل و همکاران، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، کوشش گران). صص ۲۲۱-۲۲۹. تهران: ایران‌شناسی.

خدای، مهدی؛ نورائی، مرتضی؛ فروغی ابری، اصغر. (۱۳۹۷). «بررسی عملکرد بلدیة در دوره پهلوی اول؛ نمونه پژوهی: شیراز». *پژوهش‌های تاریخی*، ۱۰(۳۹)، صص ۱-۲۳.

شیبانی، مهدی؛ پروین، حسین؛ فرنوش، فهیمه. (۱۳۹۶). «شهرباغ، ساختار شهری شیراز قدیم». *هنر و تمدن شرق*، ۵(۱۶)، صص ۳۳-۴۰.

نشریه

روزنامه/استخر، شماره ۳۵، ۱۸ دی ۱۳۰۳ ش.



- روزنامه خورشید/ایران، شماره ۱، ۲۷ بهمن ۱۳۰۲.
- روزنامه فارس، شماره ۱۷، ۵ دی ۱۲۹۸ ش.
- روزنامه گلستان (فوق العاده)، شماره ۳۵، ۴ مهر ۱۲۹۸ ش.
- روزنامه گلستان، شماره ۶، ۷۴۵ شهریور ۱۳۱۰ ش.
- روزنامه وقایع، شماره ۱، ۱۸ آذر ۱۳۰۴ ش.

Latin Resources

Book

- British minister of the Foreign Office 371, 12293/E3909, Robert Clive reporting on court minister 'Abd al-Hoseyn Teymurtash, 26 August 1927, Tehran, *Iran*; see: *Iran Political Diaries 1881–1965*. (Robert M. Burrell, ed.) [Oxford]: Archive Editions, 1997, vol. 8: 1927–1930, p55.
- Fairclough, Norman. (2003). *Analysing Discourse: Textual Analysis for Social Research*. Routledge.
- Forbes, Rosita. (1931). *Conflict: Angora to Afghanistan (with a foreword by Brigadier-General Sir Percy Sykes)*. London: Cassell.
- Gaddis, John Lewis. (2002). *The Landscape of History: How Historians Map the Past*. Oxford University Press.
- Gottdiener, M; Budd, L; Lehtovuori, P. (2015). *Key Concepts in Urban Studies*. SAGE Publications.
- Katouzian, Homa. (1981). *The Political Economy of Modern Iran: Despotism and Pseudo-Modernism, 1926–1979*. University Press.
- McDaniel, Tim. (1991). *Autocracy, Modernization, and Revolution in Russia and Iran*. Princeton University Press.
- Tripp, Herbert Alker. (1950). *Road Traffic and its Control*. (2nd edn). London: Edward Arnold.

Article

- Ahmed, Jashim Uddin. (2010). "Documentary research method: New dimensions". *Indus Journal of Management & Social Science (IJMSS)*, 4(1), pp 1-14.



Bowen, Glenn A. (2009). "Document analysis as a qualitative research method". *Qualitative research journal*, 9(2).

Collection of articles

Cronin, Stephanie. (2004). "The Army, Civil Society and the State in Iran: 1921-1926".

In: *Men of Order: Authoritarian Modernization under Atatürk and Reza Shah, 130-63. and Reza Shah*. (Atabaki, Touraj; Zürcher, Erik J, Editors). Bloomsbury Publishing.

Engert, H. (1940). "Change in the city of Tehran". US State Department Archives, Engert Dispatch 1830, 891.101/3, 10 May 1940, Tehran, Iran. In: Majd, Mohammad Gholi. (2012). *Great Britain and Reza Shah: The Plunder of Iran, 1921-1941*. University Press of Florida.

Grigor, Talinn. (2014). "The king's white walls Modernism and bourgeois architecture" In: *Culture and cultural politics under Reza Shah: The Pahlavi state, new bourgeoisie and the creation of a modern society in Iran*. (Devos, Bianca; Werner, Christoph, Editors). Routledge.

Hart, L. (1932). "US State Department Archives". Dispatch 1393, 891.00/1562, 25 March 1932, 155-56; In: Majd, Mohammad Gholi. (2012). *Great Britain and Reza Shah: The Plunder of Iran, 1921-1941*. University Press of Florida.

Katouzian, Homa. (2004). "State and Society under Reza Shah" In: *Men of order: authoritarian modernization under Atatürk and Reza Shah*. (Atabaki, Touraj; Zürcher, Erik J, Editors). Bloomsbury Publishing.

Safamanesh, Kamran. (2009). "Architectural Historiography 1921-1942". In: *Iran in the 20th century: Historiography and political culture*. (Touraj Atabaki, Editor). London: I. B. Tauris.

English Translation of References

Archival Documents

"*Aks-e havāyi-ye sāl-e 1335 SH Širāz*" (Aerial photo of Shiraz in 1956). Tehran: Sāzmān-e Naqše-bardāri-ye Kešvari (Iran National Cartographic Center). [In Persian]

“*Naqše-ye Šahr-e Širāz*” (Map of the city of Shiraz). (1302/1923). Firouz Mirza Nosrat al-Dowleh supervised by Mirza Abolhasan Khan Mohandes. [In Persian]

“*Naqše-ye Širāz*” (Map of Shiraz). (1326/1947). Drawn by Sarhang Ghavanlou & Sheibani. [In Persian]

“*Naqše-ye Širāz*” (Map of Shiraz). (1328/1949). Drawn by Alireza Fadakar. [In Persian]

“*Qānun-e rāje’ be ehdās va towse’e-ye ma’āber va xiyābān-hā*” (Law on the construction and development of streets and passages). (Passed on 22 Ābān 1312 SH / 13 November 1933 AD). Tehran: Matba’e-ye Novin. [In Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

220/18257/25; 240/36971/4; 293/6090; 293/18007/35; 293/38830; 293/38877; 350/347/51; 350/347/85; 350/347/86; 350/347/105; 350/347/106; 350/347/107; 350/5594/1; 350/7414/1; 350/7414/2; 350/7414/4; 350/7414/5; 350/7414/10; 350/7414/11; 350/7414/12; 350/7414/13; 350/7414/15; 350/7414/17; 350/7414/19; 350/7414/20; 350/7414/21; 350/7414/22; 350/7414/24; 350/7414/25; 350/7414/26; 350/7414/28; 350/7414/29; 350/7414/32; 350/7414/33; 350/7414/35; 350/7414/36; 350/7414/37. [In Persian]

Books

Abrahamian, Ervand. (1377/1998). “*Irān bein-e do enqelāb*” (Iran between two revolutions). Translated by Ahmad Golmohammadi & Mohammad Ebrahim Fattahi. Tehran: Ney. [In Persian]

Adamiyat, Fereidoun. (1352/1973). “*Andiše-ye taraqqi va hokumat-e qānun-e ‘asr-e sepah-sālār*” (The idea of progress and the rule of law: The Era of Sepahsalar). Tehran: Xārazmi. [In Persian]

Afsar, Karamatollah. (1353/1974). “*Tārix-e bāft-e qadimi-ye Širāz*” (History of the old texture of Shiraz). Tehran: Anjoman-e Āsār-e Melli (Society for the National Heritage of Iran). [In Persian]

Ajoudani, Mashallah. (1382/2003). “*Mašrute-ye Irāni*” (The Iranian Constitution). Tehran: Axtarān. [In Persian]



- Aryanpour, Alireza. (1365/1986). *“Pažuheši dar šenāxt-e bāq-hā-ye Irān va bāq-hā-ye tārixi-ye Širāz”* (A general survey of Persian gardens and an investigation of the historical gardens of Shiraz). Tehran: Farhangsarā (Yasāvoli). [In Persian]
- British minister of the Foreign Office 371, 12293/E3909, Robert Clive reporting on court minister ‘Abd al-Hoseyn Teymurtash, 26 August 1927, Tehran, *Iran*; see: *Iran Political Diaries 1881–1965*. (Robert M. Burrell, ed.) [Oxford]: Archive Editions, 1997, vol. 8: 1927–1930, p55.
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1377/1998). *“Loqat-nāme”* (Dehkhoda lexicon) (vol. 7). Tehran: Mo’assese-ye Loqat-nāme-ye Dehxodā (Dehkhoda Dictionary Institute). [In Persian]
- Ejlali, Farzam. (1373/1994). *“Bonyān-e hokumat-e Qājār: Nezām-e siāsi-ye ili va divan-sālāri-ye modern”* (The foundation of the Qajar government: Tribal political system and modern bureaucracy). Tehran: Našr-e Ney. [In Persian]
- Fairclough, Norman. (2003). *Analyzing discourse: Textual analysis for social research*. Routledge.
- Forbes, Rosita. (1931). *Conflict: Angora to Afghanistan (with a foreword by Brigadier-General Sir Percy Sykes)*. London: Cassell.
- Gaddis, John Lewis. (2002). *The Landscape of History: How Historians Map the Past*. Oxford University Press.
- Ghasem Khan, Alireza. (1397/2018). *“Tekye-ye dowlat: Az budan va nabudan”* (The reliance of the state: On being and not being). Tehran: ‘Elmi Farhangi. [In Persian]
- Golestan, Ebrahim. (1348/1969). *“Madd-o meh: Se dāstān”* (Tide and mist). Tehran: Rowzan. [In Persian]
- Gottdiener, M; & Budd, L; Lehtovuori, P. (2015). *Key Concepts in Urban Studies*. SAGE Publications.
- Habibi, Seyyed Mohsen. (1378/1999). *“Az šār tā šahr”* (From the stream to the city). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [In Persian]
- Habibi, Seyyed Mohsen. (1384/2005). *“Az šār tā šahr”* (From the stream to the city). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [In Persian]
- Hosseini Fasaei, Haj Mirza Hasan. (1378/1999). *“Fārs-nāme-ye Nāseri”* (Naseri’s book

- on Fars) (vols. 1 & 2). Edited and annotated by Mansour Rastegar Fasaei. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Jafarian, Rasoul. (1385/2006). *“Dark-e šahri az mašruteh: Moqāyese-ye hoze-ye mašrute-xāhi-ye Esfahān va Tabriz”* (Urban understanding of the constitutionalism: A comparison of the constitutionalist spheres of Isfahan and Tabriz). Tehran: Mo’assese-ye Motālē’āt-e Tārix-e Mo’āser-e Irān (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (IICHHS). [In Persian]
- Kamrava, Mohammad Ali. (1384/2005). *“Moqaddame-ee bar šahrsāzi-ye mo’āser-e Irān”* (An introduction to contemporary urbanism in Iran). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [In Persian]
- Kariman, Hossein. (1355/1976). *“Tehrān dar gozašte va hāl”* (Tehran in the past and present). Tehran: Entesārāt-e Dānešgāh-e Melli-ye Irān. [In Persian]
- Katouzian, Homa. (1981). *The Political Economy of Modern Iran: Despotism and Pseudo-Modernism, 1926–1979*. University Press.
- Kiani, Mostafa. (1383/2004). *“Me’māri-ye dowre-ye Pahlavi-ye avval”* (Architecture of the first Pahlavi period). Tehran: Mo’assese-ye Motālē’āt-e Tārix-e Mo’āser-e Irān (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (IICHHS). [In Persian]
- Ketābxāneh, Muzeh, va Markaz-e Asnād-e Ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of parliament). [In Persian]
- Khalesi, Mohammadreza. (1387/2008). *“Az baladiye tā šahrdāri: Tārix-e sad-sāle-ye šahrdāri-ye Širāz”* (From the city council to the municipality: A hundred-year history of Shiraz). Širāz: Šahrdāri-ye Širāz (Shiraz Municipality). [In Persian]
- Khalilikhou, Mohammadreza. (1373/1994). *“Towse’e va nosāzi-ye Irān dar dore-ye Rezā Šāh”* (Development and modernization of Iran during the reign of Reza Shah). Tehran: Jahād-e Dānešgāhi-ye Vāhed-e Šahid Behešti (Academic Development of the Shahid Beheshti University). [In Persian]
- McDaniel, Tim. (1991). *Autocracy, modernization, and revolution in Russia and Iran*. Princeton University Press.
- Mirsepasi, Ali. (1384/2005). *“Ta’ammoli dar modernite-ye Irāni: Bahsi darbāre-ye goftemān-hā-ye rowšan-fekri va siyāsāt-e modernizāsiyun dar Irān”* (Negotiat-

- ing modernity in Iran: Intellectual discourse and the politics of modernization).
Translated by Jalal Tavakkolian. Tehran: Tarh-e no. [In Persian]
- Mokhber Al-Saltaneh Hedayat, Mahdi Gholi. (1344/1965). *“Xāterāt va xatarāt: Tuš-
ee az tārix-e šeš pādešāh, va guše-ee az dowre-ye zendegi-ye man”* (Memories
and Dangers) (2nd ed.). Tehran: Ketābforuši-ye Zovvār. [In Persian]
- Nadim, Mostafa. (1394/2015). *“Xiyābān-e Karim Xān-e Zand-e Širāz (Hamrāh bā
barresi-ye tārixī, ejtemā’ee-ye mahalle-ye pošt-e oštāndāri)”* (Karim Khan
Zand Street, Shiraz (with a historical and social survey of the neighborhood be-
hind the governorate)). Širāz: Omid-e Dānā. [In Persian]
- Nayyer Shirazi, Abd al-Rasoul; Nayyeri, Mohammad Yousef; & Niazkar, Farah.
(1387/2008). *“Ruzgār-e Pahlavi-ye avval: Naqd va tahlil-e roxdād-hā-ye mo-
hem-me siyāsi, farhangī va ejtemā’ee rad ruzgār-e Rezā Šāh hamrāh bā nokte-
hā va sargozašt-hā-ye ‘ebrat-āmuz”* (The First Pahlavi Era: Criticism and analy-
sis of important political, cultural, and social events in the era of Reza Shah). Širāz:
Daryā-ye Nur. [In Persian]
- Raeesi, Akbar. (1388/2009). *“Gozari bar ravand-e tahavvolāt va taškīlāt-e šahrdāri-
ye Širāz az ehtesābieh tākonun”* (A review of the developments and organization
of Shiraz Municipality from its establishment to the present). Širāz: Šahrdāri-ye
Širāz (Shiraz Municipality). [In Persian]
- Sane’, Mansour. (1369/1990). *“Peydāyesh-e ‘akkāsi dar Širāz”* (The emergence of pho-
tography in Shiraz). Tehran: Soruš. [In Persian]
- Sane’, Mansour. (1380/2001). *“Be yād-e Širāz: ‘Aks-hā-ye Širāz-e qadim”* (In memory
of Shiraz: Photos of old Shiraz). Tehran: Mansur Sāne’. [In Persian]
- Sane’, Mansour. (1390/2011). *“Širāz-e kudakī-ye mā: ‘Aks-hā-ye Širāz-e qadim”* (Our
childhood Shiraz: Photographs of old Shiraz). Širāz: Mansur Sāne’. [In Persian]
- Sane’, Mansour. (1396/2017). *“Širāz-e ruzgār-e javāni: ‘Aks-hā-ye Širāz-e qadim”*
(Shiraz: the days of youth). Tehran: Mansur Sāne’. [In Persian]
- Takmil Homayoun, Naser. (1378/1999). *“Tārix-e ejtemā’ee va farhangī-ye Tehrān”*
(Social and cultural history of Tehran) (vol. 2). Tehran: Dafter-e Pažuheš-hā-ye
Farhangī. [In Persian]

- Tripp, Herbert Alker. (1950). Road traffic and its control. (2nd ed.). London: Edward Arnold.
- Zoka, Yahya. (1349/1970). "*Tārixçe-ye sāxtemān-hā-ye arg-e saltanati-ye Tehrān va rāhnamā-ye Kāx-e Goleštān*" (History of the buildings of the Royal Citadel of Tehran and a guide to the Golestan Palace). Tehran: Anjoman-e Āsār-e Melli (Society for the National Heritage of Iran). [In Persian]

Articles

- Ahmed, Jashim Uddin. (2010). "Documentary research method: New dimensions". *Indus Journal of Management & Social Science (IJMSS)*, 4(1), pp 1-14.
- Bowen, Glenn A. (2009). "Document analysis as a qualitative research method". *Qualitative research journal*, 9(2).
- Esmaeeldokht, Maryam. (1396/2017). "Qiyās-e tatbiqi-ye xāneš-e sākenin az šahr (manzar-e šahri) bā tarh-hā-ye towse'e-ye šahri-ye barresi-ye enteqāl-e manzar-e šahr-e sonnati be šahr-e mo'āser-e Širāz" (The study of the dominant interventions (beliefs) on the aesthetics of Zand Street in Shiraz in three periods of history). *Bāq-e Nazar* (Bagh-e Nazar), 18(96), pp. 45-58. [In Persian]
- Esmaeeldokht, Maryam; Mansouri, Seyyed Amir; & Sheibani, Mehdi. (1400/2021). "Modāxelāt-e didgāh-e hākem bar zibāyi-šenāsi-ye xiyābān-e Zand-e Širāz dar se dowre-ye tārixi" (A comparative study of citizens' interpretations of the city (urban landscape) and urban development plans a transition from a traditional landscape to a modern one in Shiraz). *Honar va Tamaddon-e Šarq* (Journal of Art and Civilization of the Orient) (JACO), 5(18), pp. 43-54. [In Persian]
- Khoddami, Mehdi; Nouraei, Morteza; & Foroughi Abri, Asghar. (1397/2018). "Barresi-ye 'amalkard-e baladiyeh dar dowre-ye Pahlavi-ye avval; Nemune-pāzuhi: Širāz" (An analytical study on the performance of small Baladias during Reza Shah's era; Case study of Fars). *Pažuheš-hā-ye Tārixi* (Research Journal of Iran Local Histories), 10(39), pp. 1-23. [In Persian]
- Sheibani, Mehdi; Parvin, Hossein; & Farnoush, Fahimeh. (1396/2017). "Šahr-bāq, sāxtvr-e šahri-ye Širāz-e qadim" (Garden City, an examination of the old urban

structure of Shiraz). *Honar va Tamaddon-e Šarq* (Journal of Art and Civilization of the Orient) (JACO), 5(16), pp. 33-40. [In Persian]

Collection of articles

Cronin, Stephanie. (2004). "The Army, Civil Society and the State in Iran: 1921-1926".

In: *Men of Order: Authoritarian Modernization under Atatürk and Reza Shah, 130-63. and Reza Shah*. (Atabaki, Touraj; Zürcher, Erik J, Editors). Bloomsbury Publishing.

Engert, H. (1940). "Change in the city of Tehran". US State Department Archives, Engert Dispatch 1830, 891.101/3, 10 May 1940, Tehran, Iran. In: Majd, Mohammad Gholi. (2012). *Great Britain and Reza Shah: The Plunder of Iran, 1921-1941*. University Press of Florida.

Grigor, Talinn. (2014). "The king's white walls Modernism and bourgeois architecture" In: *Culture and cultural politics under Reza Shah: The Pahlavi state, new bourgeoisie and the creation of a modern society in Iran*. (Devos, Bianca; Werner, Christoph, Editors). Routledge.

Habibi, Mohsen. (1375/1996). "Tahavvol va Gostareš-e Tehrān dar zaman-e Rezāšāh" (The evolution and expansion of Tehran during the time of Reza Shah). In Shahrariar Adl et al., Sāzmān-e Mošāver-e Fanni va Mohandesi-ye šahr-e Tehrān (Emco Iran Consulting Engineers), Anjoman-e Irān-šenāsi-ye Farānseh dar Irān (Institut Français de Recherche en Iran) (Eds.), "*Tehrān pāytaxt-e devīšt-sāleh (Majmu'e- maqālāt)*" (Tehran, the Two-hundred-year capital (Collection of articles)) (pp. 221-229). Tehran: Irān-šenāsi (Encyclopedia of Iranian Studies). [In Persian]

Hart, L. (1932). "US State Department Archives". Dispatch 1393, 891.00/1562, 25 March 1932, 155-56; In: Majd, Mohammad Gholi. (2012). *Great Britain and Reza Shah: The Plunder of Iran, 1921-1941*. University Press of Florida.

Katouzian, Homa. (2004). "State and Society under Reza Shah" In: *Men of order: authoritarian modernization under Atatürk and Reza Shah*. (Atabaki, Touraj; Zürcher, Erik J, Editors). Bloomsbury Publishing.



Safamanesh, Kamran. (2009). "Architectural Historiography 1921–1942". In: *Iran in the 20th century: Historiography and political culture*. (Touraj Atabaki, Editor). London: I. B. Tauris.

Press

Ruznāme-ye *Estakhr* (Estakhr newspaper), issue 35, 18 Dey 1303 SH / 8 January 1925 AD. [In Persian]

Ruznāme-ye *Fārs* (Fars newspaper), issue 17, 5 Dey 1298 SH / 27 December 1919 AD. [In Persian]

Ruznāme-ye *Golestān* (Golestan newspaper) (Special issue) (), issue 35, 4 Mehr 1298 SH / 27 September 1919 AD. [In Persian]

Ruznāme-ye *Golestān* (Golestan newspaper), issue 745, 6 Šahrivar 1310 SH / 29 August 1931 AD. [In Persian]

Ruznāme-ye *Vaqāye'* (Vaqaye-e Ettefaqiye), issue 1, 18 Āzar 1304 SH / 9 December 1925 AD. [In Persian]

Ruznāme-ye *Xoršid-e Irān* (Khorshid-e Iran newspaper), issue 1, 27 Bahman 1302 SH / 17 February 1924 AD. [In Persian]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

